

## نمره - ۲۲ [ضمیمه]

ترجمهٔ مکتوب مشیرالدوله صدراعظم به سیر اسپرینگ رایس

۵ مارس ۱۹۰۷

[۱۴ اسفند ۱۲۸۵؛ ۲۰ محرم ۱۳۲۵]

به عرض دوستار می‌رساند، چنانچه در سابق حضوراً اطلاع دادم که عزل مسیو نوز به هیچ وجه تغییری در وضع گمرکات نخواهد داد و ریاست آن اداره به هر که داده شود موقتی خواهد بود و اقساط قرض با کمال نظم و ترتیب مانند سابق پرداخته خواهد شد، و معلوم است که دولت ایران بر حسب تکلیف خویش اقدامات شایسته در ریاست مخصوصهٔ ادارهٔ گمرکات خواهد نمود.

## نمره - ۲۳

مکتوب سیر اسپرینگ رایس به سیر ادواردگری (وصول ۱۵ آوریل)

طهران ۲۸ مارس ۱۹۰۷

[۷ فروردین ۱۲۸۶؛ ۱۳ صفر ۱۳۲۵]

افتخار دارم خلاصهٔ وقایع یکماههٔ ایران را که در مکتوبات جداگانه ثبت نگردیده بود به حضور آن جناب ارسال دارم.

(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس

## وقایع یکماههٔ ایران در تلونمره (۲۳)

## شمال ایران

## طهران

شاهزاده ظل‌السلطان در شانزدهم همین ماه از حکومت اصفهان معزول و نظام‌السلطنه به جای او منصوب گردید. اشخاصی که به قونسولگری اعلیحضرتی در اصفهان پناهنده شده بودند تا خبر عزل ظل‌السلطان از مجلس طهران به ایشان ترسید، امتناع می‌ورزیدند که از قونسولخانه خارج شوند، و خیال شاهزاده این است که در ظرف چند هفتهٔ دیگر به اروپا مسافرت نماید. و در هفدهم همین ماه مشیرالدوله صدراعظم معزول گردید - کاشی‌ها در حق وی بی‌اندازه سعایت می‌نمودند و به شاه همچو فهمانیده‌اند که تمام اشکالات و زحماتی که آن اعلیحضرت دچار شده است همانا نتیجهٔ ضعف صدراعظم و طرفداری اوست از ملت. فردای آن روز مشیرالدوله از طهران به عمارت بیلاقی خود حرکت کرده و خیال دارد پس از چندی عازم اروپا شود. پسر ارشدش ملقب به مشیرالملک ازین به بعد سفیر پترزبورغ نخواهد بود و همراه پدر خویش که محترماً نفی بلد می‌شود خواهد رفت، و مؤتمن‌الملک دومین پسرش در طهران توقف خواهد نمود.

کابینهٔ جدید وزرا مرکب است از هشت وزیر که سه نفر از آنها، یعنی فرمانفرما و وزیر

همایون و مخبرالسلطنه برادر رئیس مجلس که با امین‌السلطان دور دنیا را مسافرت نموده است، بتازگی به مرتبه وزارت نائل شده‌اند. روز بیست و یکم وزرای جدید به مجلس معرفی شدند. وزیر داخله دستخط شاه را که متضمن بود بر تعیین و تشخیص ادارات و قراردادن کلیه انتظامات مملکتی در تحت ریاست هشت وزیر مسؤل ذیل، قرائت کرد:

وزیر عدلیه	فرمانفرما
وزیر امور خارجه	علاءالسلطنه
وزیر داخله	وزیر افخم
وزیر مالیه	ناصرالملک
وزیر جنگ	نایب‌السلطنه
وزیر علوم و اوقاف	مخبرالسلطنه
وزیر فواید عامه	مهندس‌الممالک
وزیر تجارت	وزیر همایون

مجدداً شاه به امین‌السلطان که هنوز در سویس بود تلگراف کرد که عازم طهران شود و احتمال دارد بمحض ورود، وزیر داخله گردد و بعد مانند سابق زمام کلیه امور مملکت را بدست آورده و ریاست کلیه نماید.

مسیو پریم به مستشاری مالیه ملقب گردید و در این وقت که وزیر همایون به وزارت تجارت منصوب شد ریاست پسترا به معاون‌الدوله واگذار کردند و بجای علاءالدوله وزیر مخصوص که حکومت طهران با اوست وزیر دربار شد.

وزیر مالیه کتابچه مخارج را در یکی از جلسات به مجلس ارائه داد و آن کتابچه عبارت بود از مخارج یکساله دولت تا این تاریخ و معادل سه ملیون و دو بیست و سی و دوهزار و پانصد و نود و سه تومان از جمع کل که موافقت با ریز حساب نداشت موضوع می‌ساخت که هنوز پرداخته نشده است و صورت بعضی از مخارج که هنوز پرداخته نشده است از قرار ذیل است

شاهزادگان و مستخدمین حرمخانه و خواجگان و غیره	۳۱۵،۴۰۵
امراء و خوانین قاجار و سایر خوانین	۱۱۶،۷۲۵
امنا و وزرا	۷۷،۴۴۶
مستوفیان و منشیان و غیره	۶۷،۷۶۷
وزارت خارجه و هیئت دیپلوماسی و غیره	۴۲۲،۹۹۶
اطبای ایرانی و فرنگی	۵۴،۴۷۲
مدارس و غیره	۴۹،۳۸۰

تا نوزدهم گذشته، یعنی ۲۲ مارس، مبلغ شش کرویر و چهارصد و هشتاد و یک هزار و سیصد و شصت و شش تومان موافق صورتی که داده شده بود کسر داشته و هنوز پرداخته نشده است.

در شانزدهم مارس حکم قانونی ذیل را در خصوص پرداختن حساب مذکور مجلس به وزیر مالیه اعلام نمود.

«مجلس تصویب می نماید که جناب وزیر مالیه معادل چهار کرور تومان از بانک ملی استقراض نموده آنچه را که دولت از بابت حساب یکساله تا آخر یوننتیل (یعنی از سنه ۱۳۲۴ تا سنه ۱۳۲۵) مقروض است بپردازد بشرط آنکه در تمام مواقع دقت و ملاحظه در مخارج لازمه و قروض مهمه دولتی و رعایت اهمیت ارباب حقوق را منظور داشته مخارج فوری دولت را با حقوق کسانی که کمال احتیاج را دارند پرداخته آنچه از آن مبلغ باقی می ماند بطور عدالت و تساوی مابین سایر ارباب حقوق تقسیم نماید و شرح پرداختن ترتیب تقسیم مبلغ مذکور را بایستی به مجلس تقدیم نمود.»

در بیست و هشتم بهمن ماه به طهران خبر رسید که در سبزوار جمعیتی از متعصبین يك نفر ارمنی تبعه روس را به جرم اینکه با زنی مسلمه مراوده نامشروع داشت بقتل رسانیده و آن زن را دستگیر و مقتول ساخته اند و جسد هر دو را در حضور عامه سوزانیده اند و این از حوادث بدبختانه ای است که در این موقع باریک اتفاق افتاده است.

### تبریز

مستر راتیسلا خبر داده است که يك نفر از رعایای آلمان را دسته ای از اکراد ساوجبلاغ بقتل آورده اند.

در اواسط ماه مارس اجزاء پست و گمرک دست از کار کشیده مدتی این دو اداره مختل و در حال تعطیل بود.

مستر راتیسلا در ذیل بیان و تفصیل هیجانهای واقعه در ماه فوریه [بهمن؛ ذیحجه] گذشته چنین ذکر می نماید که مجدداً باز شدن بازارها و دکاکین تبریز به واسطه تلگرافی بود که وکلای آذربایجان از طهران به مضمون ذیل مخابره نموده اند.

«حمد می کنیم خدای را و تشکر می نمایم هواخواهان وطن خاصه اهالی هوشمند غیور تبریز را که از اقدامات آنان قانونی صادر گشته است که مواد قانون اساسی را ثابت و کامل می سازد.»

ولی اهالی در باز کردن دکاکین خود اصرار و عجله مخصوصی نداشتند، لهذا رؤساء به زحمت افتاده ناچار لازم دیدند که مردم را در باز کردن بازار بنابر مصلحت فریب دهند به اینکه دولتهای خارجه ضمانت مواعید تازه شاه را خواهند نمود، و در بعضی موارد اسم دولت انگلیس را در این خصوص بدون اینکه فایده و ثمری بیخشد ذکر می نمودند. باوجود این احوال عاقبت بر همه کس معلوم شد تعهدی که شاه نموده بود که سلطنت مشروطه را بطور کامل برقرار دارد هیچ يك از دول ضمانت آن را نخواهند نمود.

نکته خیلی حیرت افزا این بود که باوجود جنبش و هیجان عامه بواسطه عدم اعتماد به مواعید شاهانه معذک با يك طریقه قابل تحسینی در تمام شهر تبریز نظم و امنیت برقرار بود.

### مشهد

اشخاص عمده مشهد اتفاق نمودند که جلوگیری کنند از تعدیات و مظالم آتیة حکمران،

واگر در صدد ایذاء و صدمه هریک از اعضا برآیند در آن صورت همگان تحصن اختیار کنند. خلاصه، چون به زبان عموم سخن بگوییم، احساسات آزادی در جو هوا منتشر است. روز بیست و هفتم فوریه [۸ اسفند؛ ۱۴ محرم] انجمن ایالتی با زحمات بسیار و دشواری بیشمار تشکیل یافت. سی و پنج تن از ترکان تبریزی که اکنون در مشهد متوطنند قسم یاد کرده‌اند که در حصول آزادی سیاسی ایران هر قدر مخارج لازم داشته باشد و هر گونه مخاطرات پیش‌آید به هیچ وجه از بذل جان و مال دریغ ننمایند.

انجمن ایالتی که عاقبت به شورای ولایتی تبدیل یافته است به هیچ وجه از ضدیت داخله آزاد نیست. تجار و علمائی که در انجمن سمت عضویت دارند اظهار کراهت و بی‌میلی از آن انجمن می‌نمایند.

در روز یازدهم مارس [۲۰ اسفند؛ ۲۶ محرم] مابین اعضاء مجادله و مباحثه مهیجی بمیان آمد. علماء در سکوت تجار بسیار سعی نمودند ولی تجار ایشان را مخاطب ساخته گفتند بسی چیزهاست که علماء درباره آنها علم و اطلاعی ندارند. یکی از علماء با کمال تشدد جواب داد که رؤسای روحانی از سایرین شایسته‌ترند در پیش بردن هر کاری و نبوده است چیزی که از عهده اجرای آن برنیامده باشند. بواسطه این مذاکرات جمعی از تجار متغیر شده از اطاق شوری برخاسته بیرون آمدند.

تمام خدمه آستانه باستثنای یک نفر از آنها که عمل تجدد را در مشهد مروج و مهیج بوده به شاه نوشتند که مجتهدین و علماء و سادات آستانه که همگی اولاد و نایب امام بزرگوارند مایل نیستند که پیروی مجلس شورای ملی یا اطاعت احکام دیگری را جز اوامر شخص شاه بنمایند و بدین واسطه خود را از هر جهة حاضر خدمات مرجوعه پادشاه نموده هراقدامی را که او برضد طرفداران مشروطه میل داشته باشد که نموده شود در عهده خواهند گرفت.

گویا مقصود ایشان از فرستادن آن نوشته این بود که چون قصد ورود نکردن حاجی شیخ‌الرئیس که از سرکرده‌های تجددطلبان طهران است به خادم‌باشی‌گری آستانه داشتند او را از این خیال منصرف سازند.

از قراری که ماژور سایکس می‌نویسد روحانیین که بر مردم مشهد فرمانفرمایی دارند باطناً از ارتجاعیون می‌باشند و تاکنون هر حمایتی که در تأسیس انجمن ایالتی نموده‌اند محض طرفداری از تجدد و مشروطه‌خواهی نبوده است بلکه فقط برای این بوده که بدین تدبیر جلوگیری نمایند از حرکات عامه که قدرت ممانعت آن را نداشته و می‌ترسیدند اگر علناً اقدامی کنند عاقبت تسلط و استقلالشان مضمحل شود. این تسلط علمائسی در نفوس و قلوب کلیه طبقات ایرانیان که مانع از ترقی آنان است حصن حصینش در مشهد بنا شده است و می‌توان گفت اینگونه نفوذ و قوه در طهران وجود ندارد.

### مرکز و مشرق ایران

#### اصفهان

روز هفتم مارس [۱۶ اسفند؛ ۲۲ محرم] مردم برای عزل ظل‌السلطان به دستورالعمل آقا

نجفی و آقا نورالله در تلگرافخانه دولتی اجتماع نموده و نیز جمعیت باهیجانی به قونسولگری انگلیس داخل شده محض پیشرفت این مقصود تحصن اختیار کردند. عاقبت در شانزدهم همین ماه ظل السلطان معزول و پس از چند روزی اغتشاش و انقلاب اصفهان فرو نشست. در ظرف این مدت عدّه متحصنین قنصلخانه تقریباً به سه هزار نفر رسیده بود - از قراری که مستر بارنهم<sup>۱</sup> می نویسد اشخاصی که مسئولیت انتظامات را به عهده گرفته اند اول آقا نورالله که مسؤل مالاها است و پس از او حاجی محمد حسین کازرونی که مبلغ بسیاری از ظل سلطان طلب دارد و ظاهراً همچو تصور کرده است که اگر حضرت والا حاکم اصفهان نباشد هر آینه بهترین مواقع برای وصول طلب او این موقع خواهد بود. نویسنده و منشی عمده حاجی مزبور ادیب التجار<sup>۲</sup> است که از وکلای اصفهان و در مجلس شورا عضویت دارد. در این موقع تمام مخابرات تلگرافی را از طهران به اصفهان او می نمود.

### یزد

ویس قنسل انگلیس مقیم یزد در هفدهم ماه گذشته راجع به قتل تاجر پارسی موسوم به پرویز شاه جهانیان چنین می نویسد که در سیزدهم همین ماه يك یا دو ساعت از شب گذشته پرویز مزبور رئیس شرکت برادران شاه جهانیان هنگامی که از حجره تجارت مراجعت به منزل می نمود به واسطه شخص نامعلومی هدف گلوله شده و روز دیگر وفات یافت. در نوامبر گذشته او را تهدید به قتل نموده بودند.

پرویز طرف محاسبه دیوانی با مشیرالممالک وزیر مؤیدالدوله حاکم سابق که اکنون فرمانفرمای فارس است بوده و چند روز قبل از آنکه کشته شود در خصوص تصفیه محاسبات بامشیرالممالک نزاع و مشاجره می نماید: بعضی مطالب دیگر سبب سوءظن نسبت به مشیرالممالک گشته و بدین واسطه حدس می زنند که او محرک قاتل بوده و گمان کرده اند شخص جوانی موسوم به فرخ مرتکب قتل پرویز شده - ویس قنسل چنین می نگارد که اجزاء حکومت در تحقیق و دستگیری قاتل گمان می کنم به اقدامی نپرداخته باشند.

### سیستان

وضع ریاست محمدرضاخان پسر بزرگ حشمةالملک را که به نایب الحکومگی برقرار شده نمی توان گفت صحیح است. شخصی از اهل قاین او را متهم ساخته است به اینکه دخترش را بجبر از وی جدا کرده به خانه خود برده - و نیز شخص دیگری را به جزئی بهانه و اتهام غیر معقول با کمال بی رحمی در حضور خویش امر به زدن نمود.

(۱) قنسل انگلیس در اصفهان.

(۲) ادیب التجار پس از فتح طهران مجدداً وکیل گردید. پس از يك سال واندی روزی هنگام ورود

به اطاق مبعوثان به مرض سکنه وفات نمود.

## شیراز

طلاب و تجار و سایر طبقات مردم به عده پانصد نفر متحد شده انجمنی موسوم به انجمن اسلام منعقد ساخته و قسم یاد کرده‌اند که در حفظ مجلس شوری و اساس مشروطیت از فداکاری جان دریغ ننمایند.

چندی گذشته يك نفر سید از کوچه عبور نموده فریاد می‌کرد پاینده باد آزادی. اتفاقاً یکی از شاگردان مدرسه یهودیان از پهلوی او می‌گذشت. سید صدای خود را قطع کرده طفل یهود را به ضرب کارد از پا درآورد.

## کرمانشاه

مابین اهالی در خصوص انتخابات مناقشه و مجادله سخت روی داده عاقبت کار به خونریزی مبدل شد. حکومت و پارتیه‌های مختلفه که آتش منازعه را مشتعل ساخته بودند می‌خواستند به قنصلخانه انگلیس ملتجی شوند ولی قنصل بکلی از مداخله کردن در امور ایشان کناره جسته ایشان را نپذیرفت.

## نمره - ۲۴

تلگراف سیراسپرینگ رایس به سیر ادواردگری (وصول ۲ مه)

از طهران ۲ مه ۱۹۰۷

[۱۲ اردیبهشت ۱۲۸۶؛ ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۵]

امروز امین‌السلطان به منشی شرقی<sup>۱</sup> اطلاع داده است که رتبه وزارت داخله و رئیس الوزرائی را به شرط آن قبول کرده است که شاه با مجلس موافقت و همراهی نماید.

## نمره - ۲۵

مکتوب سیراسپرینگ رایس به سیر ادواردگری (وصول ۱۳ مه)

از طهران ۲۴ آوریل ۱۹۰۷

[۱۲ فروردین ۱۲۸۶؛ ۱۸ صفر ۱۳۲۵]

خلاصه وقایع یکماهه ایران را که در ماه آوریل اتفاق افتاده است لفاً با کمال افتخار ارسال می‌دارم.

(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس

## خلاصه وقایع یکماهه ایران

شمال ایران

طهران

در ماه گذشته سرقت خانه‌ها و دزدی مکرر اتفاق می‌افتاد و به قصد اینکه مردم را منظمأ غارت و یغما نمایند انجمنی تشکیل داده و قانون اسلام را وسیله پیشرفت مقاصد خود قرار

(۱) منشی شرقی نویسنده و مترجمی است در سفارت که السنه شرقی را می‌داند.

داده بودند. مجلس شوری که طرف بی‌اعتمادی مردم واقع شده بود به‌وزیر داخله اخطار نمود که اینگونه کارها را جلوگیری نموده و مجامع مضره را برهم زند. بنابراین دولت وقت را غنیمت شمرده سعی داشت که تمام انجمنها را برچیند. مجلس شوری مقصود دولت را دریافت نموده مجدداً به وزیر داخله اخطار کرد که غرض برهم زدن تمام انجمنها نبود فقط اجتماعات مضره را باید غدغن نمود. عاقبت مجلس مقصود خود را صورت داد اما در خصوص ناامنی طهران که اتصالاً روبه ازدیاد می‌نهاد جواب اظهارات مجلس را در این خصوص دولت چنین داد که چون مدت يك سال است حقوق پلیس پرداخته نشده نمی‌توان توقع خدمت از ایشان داشت و باز خواست نمود که چرا به تکالیف خود عمل نکرده‌اند. با این وضع اگر مفسدین و اشرار گرفتار پلیس شوند مبلغی رشوه به او داده او هم طبعاً قبول نموده و ایشان رازها خواهد کرد.

#### تبریز

بواسطه نزاعی که مابین طلاب در سیزدهم همین ماه اتفاق افتاد اغتشاشی رخ داده بازارها و دیکاکین تا دو روز بسته شد. ملای بزرگ شهر خیلی سعی و کوشش داشت که اسبابی فراهم نماید که ملای تجدطلب آزادبخواه را از شهر خارج بنماید. اتفاقاً خودش مطرود و تبعید گردید. هواخواهان طرفین در کوچه‌ها با اسلحه ازدحام و سنگ‌بندی می‌نمودند ولی از حسن اتفاق حادثه و انقلاب رخ نداد.

#### رشت

در ظرف این ماه انجمن ولایتی گرفتار چندین پارتی مخالف گردید بطوریکه رقابت و ضدیت ایشان با یکدیگر سبب اغتشاش و بی‌نظمی بسیار گشت. یکی از اعظم ملاها با بسیاری از اصحاب و مریدان عازم طهران گردید و دسته دیگری از اتباعش شهر را ترك نموده خارج شهر در چادرها منزل گرفتند. اگر چه ظاهراً تاکنون نفاق باقی است ولی چندان شدتی ندارد. اهالی گیلان ابریشم و سایر مال‌التجاره را مستمسک نموده هیجانی دارند و احتمال می‌رود بدین مستمسک شورش برپا نمایند. اهالی دهات مایل به دادن اجازه به صاحبان املاک نیستند. جمعی از ایشان در مسجد پناهنده شده و غرضشان از این تحصن آن است که آنچه بین ایشان با صاحبان املاک قرار داده شده نپردازند.

چون در باکو ملاحین خط اتزلی و باکو دست از کار کشیده بودند تا مدتی حرکت کشتی به تعویق افتاد و پست را کشتیهای تجار که عملجاتش روسی و معروف به نیم‌تنه آبی هستند به ایران حرکت می‌دادند بدون اینکه مسافری را حمل و نقل نمایند. عاقبت قایقچیان اتزلی نیز محض همراهی با ملاحین باکو تعطیل نمودند.

## کاشان

اهالی بر ضد طایفه یهود که یکی از آنان تبعاً انگلیس است هیجان نمودند و طایفه یهود از خوف پناهنده به تلگرافخانه انگلیس شدند، به سفیر انگلیس تلگرافی<sup>۱</sup> تنظیم کرده از وی درخواست حمایت نمودند لهذا بیان نامه‌های چند در اینخصوص بدولت فرستاده شد.

## جنوب ایران

## شیراز

تاکنون انجمن ایالتی با رؤسای حکومت به مخالفت و ضدیت رفتار می‌نماید. در بیست و سیم مارس سالارالسلطان پسر قوام به مستر کراهام<sup>۲</sup> نوشت که زنان تبریز به مردان اینجا مکتوباتی فرستاده و ایشان را سرزنش و ملامت نموده‌اند که پس از رسیدن این‌گونه مکتوبات حساسیت اهالی چنان بجوش آمده که از این به بعد بهیچ وجه نمی‌توان از ایشان جلوگیری نمود.

در بیست و چهارم ماه مزبور دسته‌ای از مردم شهر بقصد غارت بطرف محله یهودیان حمله برده و محتمل است که این حادثه بیشتر سبب مهاجرت طایفه یهود از ایران بشود چنانچه در ظرف چند ماه اخیر متجاوز از هفتاد خانوار از آنها ترك شیراز را نموده بطرف بیت المقدس عزیمت کرده‌اند.

از قراری که خبر رسیده است بعضی سرقتهای جزئی در عرض راه اصفهان و شیراز واقع شده ولی در راه پیاده‌رو بوشهر نظم و امنیت در کمال خوبی برقرار و عابرین از شر سارقین ایمن هستند.

## بوشهر

حاکم جدید بوشهر بواسطه فشاری که اجزای گمرک در خصوص تنبیه خوانین بندر ریگ و دیلم که گمان کرده‌اند بطور قاچاقی از بنادر آن نقاط مالالتجاره داخل می‌نمایند از شیراز استمداد و قشون طلب کرده است.

چون خوانین از این قضیه آگاهی یافتند بواسطه تلگرافات مبسوطه به حکومت مرکزی طهران درین باب تظلم و شکایت نمودند.

انجمن ولایتی آرام است - ولی در مدت ماه مارس [اسفند؛ صفر] اوراقی که آنرا شب‌نامه می‌خوانند به عبارات مهیجه نوشته و به دیوار شهر نصب می‌نمودند و شبها در نقاط متعدده شهر می‌افکندند.

این مسئله حاکم جدید را که بتازگی ورود نموده بود بسیار مضطرب و پریشان داشت. بی گناهی را به جرم اینکه اوراق مذکور را وی توزیع می‌نماید به حکومت جلب کرده آن بیچاره را به چوب بستند و چندانیش بزردند که از خود بیخود شد.

(۱) اصل: تلگرافاً-م.

(۲) قنصل انگلیس در شیراز.



### مغرب ایران کرمانشاه

قنصل اعلیحضرتی مخالفت اهالی و اغتشاش شهر را که در مارس گذشته - وقوع یافته بود چنین شرح می‌دهد که امور و اوضاع آن ولایت تا چهاردهم مارس - بیست و نهم محرم ۱۳۲۵ [۲۳ اسفند ۱۲۸۵] - به حال اغتشاش و بی‌نظمی باقی بود.

حکومت چنین اظهار می‌کرد که از طهران برای تفتیش و اصلاح مأمور مخصوصی فرستاده خواهد شد ولی سفیر اعلیحضرتی از طهران به من اطلاع داد که فرستادن مأمور مقرون به صحت نیست و بکلی این خبر را تکذیب می‌نمود.

ولی عقیده طرفین مخالف این بود که اولیای امور در طهران البته خیال خویش را در خصوص فرستادن مأمور بایستی تغییر داده باشند و من نیز به همین عقیده بودم.

خلاصه چون مردم از انتظار خسته شده و به تنگ آمده بودند لهذا در چهاردهم ماه مزبور - (ماه مارس) - عموم کسبه و کارگران شهر حتی حاملها به تلگرافخانه رفته تحصن اختیار نمودند - و در بام خانه‌هایی که در میدانی است که اداره تلگرافخانه در آنجا واقع است و همچنین در بامهای عمارتی که جنب میدان مرکزی است چادرها برپا نموده منزل گرفتند؛ طرفداران اعیان و کهنه‌پرستان در خانه یکی از ملاها اجماع کرده آنجا را مأمن خویش قرار دادند.

روز هفدهم مارس [۲۶ اسفند؛ ۲ صفر] از طهران حکم رسید که دو نفر از اعضای عمده هواخواهان اعیان را که باعث اغتشاش شده‌اند گرفتار و از شهر تبعید نمایند یا اینکه آنان را تحت‌الحفظ به طهران روانه سازند - چون این خبر گوشزد دو شخص مزبور شد و دانستند با ایشان چگونه سلوک خواهد شد مخفی گشتند... - روز هیجدهم مارس یکی از هواخواهان ملت بعزم میدان از منزل خویش بیرون آمد و ناچار بود که از جنب خانه‌ای که محل اجتماع اعیان بود عبور نماید چون بدان حوالی رسید با سنگ بطرف او حمله برده تعاقبش نمودند. مشارالیه از خوف روبه فرار نهاده گریخت. پس از طی این عقبه وارد میدان شده و فریاد برآورد که می‌خواستند مرا بکشند!! کسانی که در میدان متوقف بودند از گفتار این شخص بی‌اختیار گردیده اجماعاً چوب و چماق بدست گرفته بطرف خانه ملاهجوم آور شدند و در آنجا به گلوله و شلیک تفنگ دچار گردیدند. طرفداران اعیان گمان کردند که غرض آن جمعیت از این هجوم و حمله تراغ با ایشان است و یحتمل درصدد آن باشند که دو شخص مخفی شده در خانه ملاها را بیابند. در تمام آن روز شلیک تفنگ مداومت داشت ولی تیرها بکلی خطا می‌رفت زیرا فقط یک مرد هدف گلوله گردید و یک پسر کوچکی نیز بواسطه خطا رفتن تیر بقتل رسید و از قراری که می‌گفتند دو نفر دیگر نیز بواسطه زخمی که برداشته بودند و علاج ناپذیر بود وفات یافتند.

### سلطان آباد

موافق خبری که به سفیر اعلیحضرتی داده شد اغتشاش سلطان آباد را ملای بزرگ آن

شهر سبب بود که به حیل و دسایس آتش فتنه و فساد را اندک اندک مشتعل ساخت. شاه و مجلس هر قدر سعی کردند که ملای فتنه‌انگیز را از آن محل خارجش نمایند اثری نبخشیدند. کسبه محض تظام تا مدتی دکاکین خود را بسته دست از کسب و کار خویش کشیدند.

مردم را عقیده اینست که اگر آن ظالم را نتوانند به محکمه عدالت حاضر نموده احقاق حق مظلومین بشود البته فتنه و فساد بیشتر و مهمتر از این خواهد گردید. عموم مردم از ملای مزبور متنفر و مخوفند.

بیست و پنجم آوریل ۱۹۰۷ مطابق [۱۱ ربیع‌الاول]  
 ۱۳۲۵ هجری [۱۵ اردیبهشت ۱۳۲۶]

### نمره - ۲۶

خلاصه مکتوب سیراسپرینگ رایس به سیرادوارگری (وصول دهم ژوئن)

از قلهک ۲۳ ماه می ۱۹۰۷

[۲ خرداد ۱۲۸۶؛ ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵]

با کمال افتخار شرح وقایع و اتفاقاتی که در ماه گذشته در این مملکت روی داده و مستر چرچیل ثبت کرده است معروض می‌دارم.

تاکنون نتوانسته‌اند وسایلی برای پیشرفت امور دولت بچنگ آورند. مجلس از اطراف گرفتار حمله واقع شده است. درباریان تماماً مخالفت می‌نمایند و مردم شهر بواسطه اینکه نان مانند سابق به حالت گرانی باقی است رضایت ندارند. از طرف دیگر ضعف مجلس بواسطه مناقشه مابین دونفر از رؤسای آن که عاقبت منجر به استعفا دادن هر دو گردید مکشوف و باب همه گونه فواید برای دشمنانش مفتوح شد. مهمتر مسئله‌ای که در این وقت دست‌آویز گردید متمم قانون اساسی بود که تمام رعایای ایران را بدون رعایت مذهب در حکم قانون متساوی‌الحقوق ضمانت می‌کرد. مالاها در این خصوص تعرض نمودند و از سدنفر مجتهد بزرگ فقط آقا سید محمد حامی و خواهان آن بود ولی دیگران که به جمع کثیری از طلاب تکیه داشتند مدعی شده اظهار نموده‌اند که در مملکت اسلامی باید قوانین اسلام را مجری و معمول داشت. خلاصه طبقاً روحانیین به دو فرقه تقسیم شد. عده بسیاری از طلاب به ریاست آقا سید محمد و آقا سید جمال‌الدین واعظ مردم را آگاه و متذکر می‌ساختند به اینکه آزادی و مساوات از قوانین اسلام است و هر که جز این بگوید به مملکت خیانت نموده و مسلمان نیست. نماینده پارسیان در نزد من خیلی اظهار امیدواری می‌کرد که در خصوص تساوی حقوق اقدامات قطعی خواهد شد ولی این مطلب هنوز در بوتۀ اجمال باقی است و تا مدتی مابین عوام‌الناس و روحانیون که طرفدار عامه می‌باشند زحمت فراهم خواهد آورد و گمان می‌رود مالاها ملتفت ضعف خویش شده درک نموده‌اند که عنقریب اقتدار و نفوذ ایشان زوال خواهد یافت. اما شاه موقع را مغتنم دانسته از امضای متمم قانون اساسی امتناع دارد و مدعی است که مواد آن بایستی از نظر مجتهدین کربلا

بگذرد. از فرستادن آن بنزد علمای کربلا چه نتیجه حاصل خواهد شد معلوم نیست؟ در این روزها از طرف مجتهدین کربلا رسماً به سید جمال‌الدین پیغام فرستاده شده و فوراً طبع و به همه جا توزیع گردید. مفاد آن امر به مردم بود که به توسط مجلس از شاه مطالبه تجدد نمایند. اوضاع ایالات را می‌توان نتیجه اختلاف امور حکومت مرکزی دانست. در هر شهری يك مجلس مستقلی منعقد است که بدون مشورت با حاکم یا مجلس مرکزی طهران متصدی امورات می‌شوند. حکامی که طرف نفرت مردم واقع بودند پی‌درپی بیرون شده‌اند. حکومت مرکزی و مجلس طهران فهمیده‌اند که قوه ممانعت و جلوگیری را ندارند، لهذا خطر يك بی‌نظمی عمومی به نظر حتمی الوقوع می‌آید. آثار هیجان در دفع ظلم و مقابله با اولیای امور در تمام ولایات مشهود است ولی محرکین غیر معلومند و آنچه به نظر می‌آید از طرف شمال و شاید از قفقاز تحریک می‌شود. اما قطعه جنوب بالنسبه ساکت و اهالی آن از هر حیث مطیع می‌باشند برعکس قطعه شمالی که اگر بدانجانب مسافرت نمایند چون به هر نقطه از آن وارد شوند خواهند دید که زبان مردم آنجا آزادتر و سلوک ایشان نسبت به پادشاه و حاکم آن محل مخالفت می‌باشد؛ ملاطفت با اتباع خارجه و یا تنفر از آنها مربوط به عدم مراوده و یا آمد و شد ایشان است با حکومت حاضره.

حس استقلال و حفظ ملیت نمودن و ممانعت از ظلم و ذیحق بودن در اداره کردن امور خویش همه روزه مابین مردم بطور سرعت تولید می‌شود. قوت این احساسات در آذربایجان و همچنین در پایتخت بیشتر است و اگر مخالفین هر گونه عوایق<sup>۱</sup> و اشکالاتی برای مجلس فراهم آورند که قوه و نفوذ حالیه آن را مضمحل نمایند حس آزادی و عقیده وطن‌پرستی را که مردم بتازگی دریافت کرده‌اند زایل نتوانند ساخت.

مجامع سری و متعدد شدن آنها سبب توحش دولتیان گردیده و گروه فدائیان باکو و شمال ایران قسم یاد کرده‌اند که جان خود را فدای سعادت ممالک خویش نموده دشمنان وطن را معدوم سازند. در طهران نیز انجمن‌های بسیار تأسیس یافته که جلسات بعضی از آنها آشکار و عمومی است و برخی دیگر با آنکه اعضای آنها معروف یکدیگر نیستند متقید به يك نظامنامه عمومی می‌باشند. در افواه است که اگر حادثه‌ای اتفاق افتد تمام آنها متفقاً به دستور کمیته‌های کوچک مرکزی در دفع آن با کمال ثبات قدم به يك روش خواهند کوشید - هر چند این مطلب را جداً دعوی می‌کنند لیکن ظن غالب اینست که فقط حرف باشد.

ضمیمه نمره (۲۶)

خلاصه وقایع یکماهه

شمال ایران

طهران

روز ۲۶ آپریل [۶ اردیبهشت؛ ۱۲ ع ۲] اتابک اعظم به طهران وارد و در دوم ماه مه [۱۲ اردیبهشت ۱۸ ۱۶] رسماً به ریاست وزرا و به رتبه وزارت داخله برقرار گردید.

(۱) عوایق (همچو مناطق) = گرفتاریها، موانع (چ عائق) - م.

پس از دو روز دیگر با هیئت وزراء برای معرفی به مجلس شوری حاضر شد و دستور اقدامات خود را بیان نمود.

سبک جراید محلی به طرفداری حکومت ملی (دموکراتیک) بیشتر متمایل می‌شود و اتصالاً روزنامه‌های جدید طبع و برعهده جراید افزوده می‌گردد. حالیه در طهران قریب به سی روزنامه دایر می‌باشد که از آنجمله عده‌ای یومیه است و همچنین در تمام ولایات به طبع روزنامه‌جات اقدام نموده‌اند. بعلاوه در باکو يك جریده‌ای به زبان فارسی که مسلکش بر ضد سلطنت و خانواده است نوشته شده و در تمام نقاط ایران رواج دارد. اوراق بدون امضا مانند سابق در طهران پراکنده می‌شود که بسیاری از آنها را از باکو ارسال می‌دارند و بواسطه عبارات مهیجه مخصوصاً ضدیت با اتابک و دولت خیلی قابل ملاحظه واقع گردیده است.

#### مسیو نوز

چون مردم شنیدند که مسیو نوز از ایران خواهد رفت چهل نفر از آنان که قبوض بروات دولتی را با امضای وی در دست داشتند برعلیه او قیام کردند. در مجلس ملی مذاکره از رفتن او بمیان آمد و عاقبت رأی دادند که از ایران خارج شود و تا مدت يك سال اجازه مرخصی یافته قرار شد موجب این يك ساله را تماماً عاید دارد. از قراری که خود مسیونوز می‌گوید روز ۲۵ همین ماه از طهران حرکت خواهد نمود و به مسیو پریم و کالت داده است که حاضر شده در خصوص سؤالاتی که خواهد شد جواب بدهد. صورت و کالتنامه‌ای که امضا نموده بود به نظر سفیر اعلیحضرتی رسانید و متعهد شده‌است که حساب اداره خود را بپردازد.

#### طایفه پاریسیان

طایفه پاریسیان در خصوص تعرضات مجتهدین راجع به متمم قانون اساسی بیاناتی شدید اظهار نمودند و اصرار داشتند که تمام مردم بدون ملاحظه مذهب بایستی در پیشگاه قانون مساوی باشند ولی آرامنه و یهود را در این موضوع با خویشتن شرکتی ندادند. رؤسای عمده و آقا سید محمد مجتهد ایشان را از این جهت آسوده خاطر و مطمئن نمودند. لیکن طلاب و آخوندها به هیجان آمده این مسئله را انکار داشتند و شاه مطلب را رجوع به علمای کربلا نمود به امید اینکه وسیله برچیدن مجلس شود.

هنوز اتابک اعظم طرف میل مجلس واقع است ولی او خود اظهار خستگی و گفتگوی مراجعت از ایران را می‌نماید. وصول و ایصال مالیات در نهایت سستی است.

#### تبریز

اوضاع تبریز در تمام مدت این يك ماه پی‌درپی مورد تنقید واقع گردید. حاکم این ولایت ملقب به نظام‌الملک که سابقاً وزیر عدلیه طهران بود چون دید مقام خود را نمی‌تواند

حفظ نماید لهذا روز ششم ماه مه [۱۶ اردیبهشت؛ ۲۲ ع ۱۶] از شهر خارج شد و در دوازدهم او را به شهر معاودت دادند. پس از مراجعت حکم کرد یکی از مجتهدین بزرگ را نفی بلد نمودند. اهالی از این حرکت به خشم آمده روز ۱۳ ماه مه [۲۳ اردیبهشت؛ ۱۶ ع ۲۹] بازار و دکاکین را بستند. وکلای انجمن ایالتی در تلگرافخانه رفته به مجلس شورای طهران اطلاع دادند که اهالی از انتظار حاکم مشروطه خواه قانونی خسته شده اند و تا قانون اساسی طبع و توزیع نشود دکاکین را باز نخواهند نمود. چون از طهران جواب مساعدی داده نشد تهدید کردند که اگر تاده روز دیگر قانون اساسی انتشار نیابد ناچار خود آنان قانون مخصوصی برای مملکت آذربایجان وضع خواهند کرد. روز پانزدهم مستر راتیسلا تلگراف نمود که بروز احساسات در مردم استمرار دارد و ترس آنست که هیجان و خشم اهالی شدت بیابد و آن وقت متوسل به بعضی اقدامات شوند که آذربایجان را قطعه جداگانه مستقلی سازند.

گمان می رود آنچه تلگراف از اهالی به مجلس طهران مخابره شده است شاه مانع از ایصال آنها گردیده و او خود جواب آنها را داده باشد.

روز دیگر اوضاع بیشتر انظار را بطرف خود معطوف داشت و مورد تنقید اتفاق افتاد. احرار اسلحه برداشتند و در کوچدها نمایش داده فریاد می کردند که عازم طهران خواهند شد. انجمن ایالتی که احوال را بدین منوال دید از مستر راتیسلا خواهش نمود که در اصلاح این اوضاع همراهی نماید و سفیر اعلیحضرتی با اطلاع سفارت روس بعضی اقدامات غیر رسمی بعمل آورد و تا روز ۲۲ [۱ خرداد؛ ۹ ع ۲] این ماه سکوت موقتی دست داد. در این وقت انجمن ایالتی خبر یافت که قشون کثیری مرکب از چریک بطرف شهر گسیل داشته اند و تقریباً تهاشت فرسخی رسیده است. انجمن لازم دانست که ابتدا معلوم بنماید آیا این قشون به حکم شاه روانه شده است پس از آن به دفع آن جماعت بهرنحو که مقتضی باشد بکوشند. سفیر اعلیحضرتی در این خصوص از صدراعظم استعلام نمود ولی صدراعظم بکلی تکذیب کرد و نیز سفیر بی اصلی این خبر را فوراً به مستر راتیسلا اطلاع داد.

### رشت

در اواخر ماه آوریل والی گیلان همراه اتابک اعظم وارد طهران گردید و روزی که وارد شد پدرش ساعدالدوله که مردی کهن سال بود زندگانی را بدرود گفت. در ظرف مختصر زمانی که حکومت آن ولایت را داشت بقدری بروی ناگوار گذشت که اکنون مایل نیست مراجعت کند زیرا در ایام سابق که حکومت گیلان با او بود بیشتر ثروت خود را از آنجا فراهم آورد ولی این دفعه انجمن ولایتی و سایر انجمنهای محلی دستش را از تعدی و تصرف در اموال مردم کوتاه کرده بودند. تقریباً تا مدت یک ماه این ولایت حاکم نداشت و با این حال در نهایت انتظام کارها از پیش برده می شد.

روز چهاردهم ماه مه [۱۴ اردیبهشت؛ ۲۰ ع ۱۶] مهاجمین تلگرافخانه رشت را بستند و تا

چندی قونسول روس و انگلیس نتوانستند با سفارتخانه‌های خویش مخابره نمایند. روز دیگر قنسول روس مقیم رشت برای اشخاصی که بواسطه بسته شدن بازار از شغل و کار باز مانده بودند به جمع‌آوری اعانه پرداخته و خود او از مالیه دولت متبوعه خویش بیست‌لیره (تقریباً صدتومان) امضا نمود که داده شود. چون طلاب از اعانه جمع کردن قنسول روس اطلاع یافتند برخلاف این اقدام قنصولگری نطقها نمودند و مردم را موعظه کرده می‌گفتند ایرانیان هیچگاه نبایستی از روسها قبول صدقه و اعانه نمایند.

از تبریز تلگرافات تشجیع‌آمیز به اهالی رشت مخابره شد و بسیاری از مردم داوطلبانه برای مجاهدت حاضر گردیده و در کوچه‌ها به گردش درآمدند.

هفتم ماه مه [۱۷ اردیبهشت؛ ۲۳ ع ۱۶] به شهیندر انگلیس خبر دادند که عده‌ای از مردم در خیال وارد شدن به شهیندری می‌باشند که هم آنجا را غارت کنند و هم سکنه آن را بقتل برسانند به‌تدبیر اینکه دولت انگلیس را مجبور به مداخله نموده از حامیان مشروطه حمایت نماید.

چون قنصولهای انگلیس و فرانسه و روس بواسطه تعطیل شدن تلگرافخانه از مخابره با سفارتخانه‌های خویش بازمانده بودند به کارگزاران<sup>۱</sup> ولایتی پرتست<sup>۲</sup> کردند و بدین واسطه تلگرافخانه مفتوح و مجدداً دابر گردید.

اسلحه و قورخانه‌ای که برای دولت در اترلی وارد کرده بودند بحکم انجمن ولایتی ضبط و توقیف شد.

اوضاع شهر روز سیزدهم ماه دوباره در تحت نظم و ترتیب درآمد و دیگر گمان اغتشاش و هرج و مرج نمی‌رود. اکنون حکومت رشت با وزیر اکرم است.

### کرمان

انجمن ایالتی در اوقات مقررہ انعقاد می‌یابد ولی همین که بی‌نظم می‌شود نمی‌داند چه باید کرد و بنابراین کاری از آن ساخته نیست. اهالی نه توجهی به انجمن دارند و نه تاکنون فهمیده‌اند که مقصود از تأسیس آن چیست.

### جنوب ایران

#### شیراز

اهالی شیراز بواسطه عدم رضایت از قوام‌الملک که او را حامی حکومت اشرافی و مجری قواعد استبداد می‌دیدند مدت‌ها مترصد یک هیجانی بودند تا عاقبت روز چهارم ماه جاری بلوا نموده بازار و دکانین را بستند و در طهران نیز مردم حسیات خود را در همراهی با آنان اظهار داشتند.

از طرفی هواخواهان قوام‌الملک متوسل به بعضی اقدامات شدند تا شاید بدان واسطه تمام ایالت فارس را مغشوش و گرفتار هرج و مرج نمایند.

(۱) اصل: کارگذاران .م.

(۲) پروتست (به‌سکون پ و س و کسرت) = اعتراض .م.

اعمال ایشان نتیجه چنین بخشید که بزودی طرق و شوارع ناامن گردیده اموال چندین کاروان را قطاع الطريق دزدیدند از آن جمله مال التجاره انگلیس بود که معادل هشتصد لیبره ارزش داشت و همچنین مابین بوشهر و شیراز دزدها از حامل پست انگلیس خورجینهای پستی را به سرقت بردند.

قوام الملك بتدبیر اینکه خود را از ملامت و تعرض محفوظ داشته باشد تلگرافی به مجلس طهران وبه شاه نموده همه آن بی نظمی واغتشاش را به انگلیسها نسبت داد. در خصوص پست و مال التجاره مسروقه انگلیس که از طرف سفارت به وزارت امور خارجه ایران اظهارات مؤکد گردیده بود جواب رسید که در آن باب احکام لازمه به کارگزاران و مأمورین مخصوصه فرستاده شد. هم در این اوقات شهرت یافت که نظام السلطنه به حکومت شیراز مقرر و از اصفهان عازم آنجا خواهد گردید.

#### بندرعباس

اوایل ماه مه تقریباً دویست نفر از اهالی به قنصلخانه اعلیحضرتی پناهنده شدند. مقصودشان از این تحصن تظلم از حاکم آن محل و نجات از تعدیات او بود. به قنصل اعلیحضرتی سفارش شد که در امور ایشان مداخله ننماید و متحصنین پس از سه یا چهار روز اقامت در قنصلخانه خارج گردیدند.

#### نمره - ۲۷

مکتوب سیراسپرینگ رایس به سرادوارگری (وصول هشتم ژویه)

از قلهك ۱۸ ژوئن ۱۹۰۷

[۲۸ خرداد ۱۲۸۶؛ ۶ جمادی الاول ۱۳۲۵]

با کمال افتخار آنجناب را از حادثه ای که وقوع آن سبب نگارش مراسله مفصلی به دولت ایران گردید مستحضر می دارد.

تا چندی قبل در کرمانشاه به واسطه منازعه مابین طرفداران «عامه» و حامیان «حکومت اشرافی» هرج و مرج و بی نظمی باقی بود. این دو حزب از زمان تأسیس مشروطیت ایران همواره کوشش می نمودند که هر يك دیگری را مغلوب خود ساخته استیلا حاصل نماید. حاکم آن ولایت برادر عین الدوله صدراعظم سابق ارتجاع طلب با طرفداران اشراف که تا این اواخر غلبه و زبردستی داشتند همراهی دارد و هیچ جای تردید نیست که درباریان نیز آن جماعت را تقویت می نمایند. رؤسای این طایفه را که دولت با کمال بی میلی فقط محض اسکات مردم تبعید کرده بود بتازگی اجازه مراجعت داده است و از این جهت اغتشاش بقدری زیاد شد که عاقبت منجر به نزاع عمومی گردیده مختصر تلغات جانی روی داد، ولی طرفین مواظبت می نمودند که در وقت شلیک به یکدیگر گلوله تفنگ بسوی

عمارات بانك شاهنشاهی منحرف نشود - با اینکه عمارات مزبور جنب خانه یکی از رؤسای عامیون که آنجا را سنگرگاه قرار داده بودند واقع گردیده بود. گویا رؤسای عامیون با سالارالدوله که بواسطه مخالفت با دولت طرف میل ایشان واقع شده است مراوده داشته باشند. بهر حال همینکه قشون دولت که بیشتر آن از طوایف چادرنشین همان حوالی بود به شهر وارد گردید، اجماعی از مردم بطرف خانه یکی از رؤسای ارتجاعیون هجوم آوردند. این حرکت مستهسک مناسبی بدست داد. قشون دولتی به امر سرکرده خود یا اجازه حاکم به بازار حمله برده آنچه بود غارت کردند. چون طرفداران «عامه» حاکم را محرك غارت و خود را در مقابل او عاجز یافتند لهذا به قصد تحصن متوجه قونسولخانه انگلیس شدند. در این هنگام شخص حاکم پنهان گردید. طبیب قنسولخانه متظلمین را از ورود به قنسولخانه جداً مانع بود ولی بدون اینکه اعتنائی به سخنان او بنمایند دو هزار نفر از باغستانی که دیوار نداشت داخل گردیده و در آنجا اقامت نمودند. حزب مخالف به من تلگرافی کرده که تمام مبنی بود بر تهمت و تهدید متحصنین و همچنین بدگوئی از رئیس آنها موسوم به ملامهدی که طرف اعتماد و وثوق عامه است. اما متحصنین باصرار تمام شکایت داشتند که چون تلگرافخانه در تصرف دشمنان آنهاست نمی توانند به طهران مخابره نموده شرح حال و تظلمات خود را بدولت و مجالس معروض دارند.

مکتوبی به دولت ایران نوشته و در آن تصریح کردم که چگونه قنسولخانه بواسطه دخول اجباری يك فرقه که مقاصد سیاسی در نظر دارد گرفتار اوضاع تحمل ناپذیر شده است. بعلاوه اطلاع دادم که دولت متبوعه خود را بایستی از تمام این وقایع مستحضر ساخته و نیز در خصوص تحصن که اکنون ایرانیان بدان عقیده دارند و در قانون بین الملل هیچ حکمی در آن باب نگر ندیده کسب تکلیف و درخواست دستورالعمل نمایم. در جواب این اظهارات یکی از اجزای وزارت خارجه که مدیر کارهای سفارت انگلیس است بر حسب حکم شاه نزد من آمده خواهش نمود که رؤسای حزب عامیون بخصوص آقا محمد مهدی را قنسولخانه تسلیم دولت نماید. به او گفتم «من بیش از شما مایلم به اخراج متحصنین از قنسولخانه، ولی باید دانسته باشید که اخلاق ایرانیها اجازه نمی دهد تسلیم نمودن اشخاصی را که پناهنده به جائی شده باشند. و حتی اگر قنصل را امر به تسلیم نمودن رؤسا بنمایم یقیناً دو هزار نفر جمعیت را نمی تواند راضی نماید که مجبوراً از قنسولخانه خارج شوند؛ اگر دولت ایران بتواند آنها را بتترك قنسولخانه ترغیب نماید من آنچه در تسهیل ترتیبات آن بتوانم فراهم آورم البته دریغ نخواهم داشت.» و شخص مأمور خارجه بخوبی می دانست که جز این ترتیب هیچ کاری از قوه من به فعل نخواهد آمد.

روز دیگر مدیر مذکور مجدداً مرا ملاقات کرده و درخواستهای روز قبل بیشتر اصرار داشت. در حضور مشارالیه یادداشتی به وزیر امور خارجه نوشتم و چنانچه توانستم با زبانی ساده و سخت حقیقت اوضاع را تصریح و تأکید نمودم که دولت مسؤل امنیت منازل قنصلوهای متقیم این مملکت است و باید آنگونه اقدامات را در خارج شدن مردم از قنسولخانه اختیار نماید که اطمینان فوری حاصل آید.



در این موقع اگر خواهش شاه پذیرفته می‌شد هرآینه در قنصلخانه کشتار و خونریزی واقع می‌گردید و در آن صورت شرافت و نیکنامی سفارتخانه لکه‌دار و ننگین می‌شد و نمی‌توان تصدیق نمود که اعلیحضرت شاه از چگونگی اوضاع اطلاع نداشته است.

در همین اوقات مکتوبی به عنوان منشی قنصلخانه رسید و کاپیتن هاورس آن را باز نموده معلوم شد سالارالدوله به اسم منشی مزبور برای ملامهدی نوشته او را به کمک خویش طلبیده است تا به دستگیری یکدیگر مردم را از چنگال ستمکاران رهایی دهند و تهدیدش کرده بود که اگر امتناع بورزد خائن و بی‌دین خواهد بود. کاپیتن هاورس آن مکتوب را بدون تأمل ترد حاکم فرستاد و البته هیچ تقصیری بر ملامهدی وارد نمی‌آمد، چه از اینگونه مکتوبات به همه جا ارسال شده بود. در این وقت مجلس قدم به مداخله نهاد و از مذاکرات مخفیانه رئیس مجلس با اتابک نتیجه چنین حاصل گردید که متحصنین تلگراف نموده ایشان را اطمینان خاطر بدهند به اینکه در همدان کمیسیونی منعقد بشود تا در این قضیه بدون طرفداری از احدی تحقیقات بعمل آورده رفتار رؤسای طرفین را رسیدگی نماید. ضمناً حاکم رفتار خود را با طرفداران «عامه» به ملاطفت و خوش‌سلوکی مبدل داشت.

سواد تلگرافاتی که به حاکم مخابره شده بود به امضای رئیس مجلس و اتابک نزد من فرستادند که به متحصنین مخابره نمایم. چون عمل تحقیق را نیکو ترتیبی دیدم لهذا به کاپیتن هاورس توصیه کردم که متحصنین را به این قرارداد راضی نماید و او نیز گمان می‌کرد که مقبول خواهد افتاد. ولی چندی نگذشت که جمعیتی از مردم بطرف پناهندگان قنصلخانه از خارج شلیک تفنگ نمودند. در این خصوص حکومت نه ترضیه خواست و نه توضیح می‌داد. من هم بدون تأمل پیغامات شفاهی سخت به وزیر امور خارجه داده و از مستر چرچیل تمنا کردم که ترد آن جناب و اتابک رفته ایشان را از اهمیت این واقعه آگاه سازد. مستر چرچیل آن دو وزیر را ملاقات کرد و ابتدا وزیر امور خارجه سعی می‌نمود که تقصیر را بر سفارتخانه وارد آورد چونکه از تسلیم رؤسای متحصنین امتناع شده بود؛ ولی فوراً متقاعد شدند که اقدام به این کار غیرممکن بود. پس از آنکه اتابک تحقیق کرد و دانست صدمه وارد آمده است آن وقت تلگراف با تشددی به حاکم نموده در این موضوع از وی توضیح خواست و شخص او را مسؤول امنیت قنصلخانه قرار داد. در همان روز وزیر امور خارجه پیغام تلگرافی به من فرستاد که رضایت خاطر و امیدواری بخشید. سواد آن را لفاً ارسال می‌دارم.

مخالفین طرفداران ملت تلگرافاتی چند به طهران مخابره کردند، از آن جمله یکی به عنوان سفارت روس بود که مسیو دوهارتویک دوستانه به من ارائه داد مبنی بر اینکه ملامهدی و همراهانش قنصلخانه را مقام و تکیه‌گاه خود قرار داده همه قسم مخالفت و شرارت می‌نمایند و توقف او در آنجا البته سبب مخاطرات و باعث انقلاب شهر خواهد بود و باید سفارت انگلیس را ملزم نمود که وی را تسلیم نماید. از طرف دیگر متحصنین اظهار می‌داشتند که اموال ایشان را به امر حاکم غارت کرده‌اند و حالیه نیز جانشان در معرض خطر است و از قنصلخانه خارج نخواهند شد مگر اینکه امنیت جانی و مالی به ایشان

داده شود.

من نمی‌توانم بگویم که گناه و تقصیر مخصوصاً با کدام يك از این دو فرقه بوده زیرا دو طرف آنچه در قوه داشتند در تعدی و ایذاء به یکدیگر فروگذار نکردند. مع‌هذا از واضحات است که ما را حق و انصاف نیست متحصنین را بدون ثبوت تقصیر تسلیم داریم و بفرض آنکه حق داشته باشیم قوه‌ای نداریم که بدان واسطه ایشان را مجبور به خارج شدن نماییم. بنابراین کاپیتن هاورس را توصیه کردم که خود را دچار مخاطره ننماید و در مواقعی که تغییر محل لازم شود اگر مقتضی بدانند در بانک شاهنشاهی منزل اختیار کند و از بی‌طرفی خود حاکم را جداً مستحضر داشته به وی بگوید که منتها میل او استخلاص از دست متحصنین است ولی تا تقصیرشان به ثبوت نرسد تسلیم ایشان امکان ناپذیر است و تا بتواند در تسهیل اصلاح خواهد کوشید.

دولت ایران من غیر رسم اطلاع داد که حاکم همدان حکم شد بطرف کرمانشاه رهسپار گردد. این شخص دارای صفات عالیه و در آن نواحی بسی محترم و طرف توجه است. اعتماد دارم که چون بدانجا وارد شود غائله بزودی مرتفع گردد. پناهندگان قنصلخانه از عزیمت او بسیار خرسند و امیدوار گردیدند.

در خصوص حرکت حاکم کرمانشاه احتمالی که می‌توان داد اینست که با این اوضاع حاضره ممکن است فقط بر بی‌نظمی افزوده شود ولی کاپیتن هاورس اظهار می‌دارد که حاکم تاکنون در ازای حمله به قنصلخانه بهیچوجه معذرت نخواست و در این صورت عزل او را باید خواستار گردید. دولت ایران همان جوابهای با طفره همیشه را می‌دهد و وزیر مختار روس به من اطلاع داده که سفارت قبل از رفتن مشارالیه به دولت فشار خواهد آورد تا مطالب معوقه ایشان انجام یابد. لیکن من منتظر دستورات آتیه هستم که از آن به بعد به اقدامات قطعی پردازم. شاید اتابک که دشمن حاکم و خانواده او است اهتمام کلی در عزل وی بنماید. بهر حال ظهیرالدوله حاکم همدان که ورودش را به کرمانشاه تا ۲۱ همین ماه انتظار دارند چون وارد شود عملاً حاکم معزول خواهد بود.

(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس

در تلو نمره (۲۷)

تلگراف وزیر امور خارجه ایران به سراسپرینگ رایس

مورخه ۱۶ ژوان ۱۹۰۷

[۲۶ خرداد ۱۲۸۶؛ ۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۵]

تلگراف شما که حاکی از سلوک غیر مترقبه برخی از اراذل کرمانشاه بود الساعه واصل گردید. حضرت اشرف اتابک اعظم را از وقوع این حادثه مطلع ساخته من و جناب ایشان از طرف دولت شاهنشاهی متفقاً از این سوء اتفاق اظهار افسوس می‌نمایم، و جنابعالی را با کمال عجله اطلاع می‌دهم که احکام تلگرافی در نهایت تأکید به حاکم کرمانشاه فرستاده خواهد شد تا اشخاصی [را] که جسارت ورزیده بطرف قنصلخانه انگلیس تیر افکنده‌اند دستگیر و تنبیه نماید.

## نمره - ۲۸

مکتوب سیراسپرینگ رایس به سر ادواردگری (وصول ۸ ژویه)

از قلهك ۱۸ ژوئن ۱۹۰۷

[۲۸ خرداد ۱۲۸۶؛ ۶ ربیع الثانی ۱۳۲۵]

با کمال افتخار خلاصه اخبار یکماهه طهران و سایر حوادث ولایات ایران را که بتوسط مستر چرچیل اکتساب شده ارسال آن جناب می‌دارم. عمل نفاق و فساد تقریباً بیک طرز غیر قابل صلحی تاکنون مستمر و جاری است. در سمت مغرب بنای سرکشی و شورش را نهادند. طوایف چادر نشین مشغول تاخت و تاز و غارت شدند. اهالی آذربایجان همینکه تدابیر فاسده سلطنت را درباره اعضای انجمن کشف کردند به هیجان شدید درآمده تحریکی سخت یافتند. در کرمانشاه مابین طرفداران ملت و هواخواهان حکومت اشرافی نزاع در پیوست و چون قشون سلطنتی بدان شهر وارد شد حامیان اشراف بر حزب عامیون فائق آمدند.

اوضاع و ترتیب مالیه مملکت از همه وقت بدتر است. در پایتخت پلیسها بواسطه دریافت نداشتن مواجب به تکالیف مرجوعه خود عمل ننموده همگی در خیال ترك خدمت و شروع به افساد می‌باشند. هر قدر با کمال زحمت سعی می‌نمودند که يك مبلغ پولی فراهم آورده به قشون طهران بپردازند تا شاید بدان واسطه ترغیب یافته به نقاطی که شورش روی داده عازم مأموریت شوند معلوم شد غیر ممکن الحصول است.

مجلس شورای طهران نفوذی در ولایات ندارد. در ظرف چندین هفته بیهوده به تهدید و تخویف قوام‌الملک شیرازی و ملای دزد غارتگر سلطان آبادی پرداخت و هیچ اثری نبخشید. حمایت مخفیانه دولت از دو شخص مذکور بکلی اقدامات و مساعی مجلس را لغو و بی نتیجه گردانید. مع هذا شاه و هیئت دولت در چندین مواقع بواسطه فشار مجبور به تسلیم شده ناچار احترام مجلس را رعایت داشتند.

قانونی برای مالیه وضع و از مجلس گذرانیده شد و از اینرو امید است که رفته رفته اصلاح مالیات ولایات بشود. این قانون اعم از اینکه خاطر عموم مردم را مشعوف یا مکدر سازد ناگزیر بایستی وضع شود و در آشکار نه شاه جرئت مخالفت را دارد و نه دولت می‌تواند مانع از اجرای آن گردد.

متمم قانون اساسی که بدون رعایت مذهب به تمام اهالی ایران تساوی حقوق بخشیده دست آویز و مستمسک خوبی برای حمله آوردن به مجلس گردید. ملاها به نام قانون شرع بنای تعرض و مداخله را نهادند. نتیجه این ضدیت فراهم آمدن نفاق بود مابین رؤسای طرفداران ملت و معاریف ملاها.

دولت مایل بود که استقراضی از خارجه نموده قروض امساله خود را به ارباب حقوق ادا نماید ولی نظر به افکار عموم می‌ترسید به این کار اقدام کند لابد رجوع به مجلس شوری و از آن استمداد نمود که از طریق اعانه خواستن برای بانک ملی قرضه‌ای ادا نماید. مجلس جواب داد که مردم در دادن اعانه آماده و حاضرند در صورتیکه اعیان

و اشراف متمول که به داشتن پولهای گزاف معروف می‌باشند ابتدا نموده راهرا نمایش دهند. ولی افسوس که صاحبان ثروت از اقدام به این کار امتناع می‌ورزند. ظاهراً بر مجلس حتم و محقق شده است که اگر بواسطه وضع مالیاتهای جدید پولی فراهم آمده و به‌چنگ دولت درآید تمام را به مصرف خرابی مجلس خواهد رسانید، پس لازم دانستند که در مخارج دولت نیز بدقت تفتیش شود.

کینه ورزی با شاه و خشم براو همه روزه ازدیاد می‌یابد، چه عموم را عقیده آنست که [شاه] مصمم شده همینکه توانائی حاصل کند بلادرتگ مشروطه را از ایران براندازد هرچند به اضمحلال و محو استقلال مملکت باشد.

اتابک از چاره‌جوئی باز مانده کمال افسردگی و منتهای دل‌تنگی را یافته. گویند چون از مخالفت با مجلس و استقراض از خارجه امتناع ورزید شاه از وی مأیوس و ناامید گردید. اما قدرت صدراعظم بداشتن پول است، با نبودن پول کاری از پیش وی نخواهد رفت و محلی که بتوان آنرا تحصیل نمود بسی دشوار دیده می‌شود. بالجمله هیچ نتوان گفت که مردم را در عدم پیشرفت امور چون او ملالت خاطر حاصل باشد.

کلیتاً بی‌نظمی مملکت بیشتر از سنواتی که امور در تحت قواعد معینه جاری بود روی نداده و در تمام اغتشاشات مختلفه‌ای که در ولایات اتفاق افتاد اتلاف نفوس چندان بوقوع نپیوست. مردم در اخراج حکام جابر و استخلاص از اجحاف و ظلم حکومتی اهتمام نموده و در اکثر مواقع به مقاصد خویش نائل گردیدند، بنابراین از اوضاع کنونی شاکی و دل‌تنگ نمی‌باشند. اما دولت مدعی است که در خزانه بهیچوجه دیناری یافت نمی‌شود و در ولایات هیچگونه تفتیشی بعمل نمی‌آید و سراسر مملکت را هرج و مرج فرا گرفته است.

مابین قطعه شمالی و جنوب تباین و اختلاف کلی موجود است چنانچه در جنوب جنبش اهالی مبنی است بر تقلید و یک نوع دغل‌بازی مضحکی شمرده می‌شود زیرا هرهیجانی که می‌نمایند راجع به مسائل شخصی و یا به ملاحظه منافع خویشان می‌باشد. برعکس، در قسمت شمالی، اهالی مقاصد پلتیکی و سیاسی معینی در نظر دارند و بنای تمام حرکاتشان بروطنخواهی است.

علائم خصومت و ضدیت با اتباع خارجه بهیچوجه مشاهده نمی‌شود و همچنین آثاری از مداخله اجانب مشهود نیست و معروف است هرگاه اجانب به خیال مداخله در افتند آن وقت به رؤسای عامه دستوری داده خواهد شد که از آنروی با ایشان معامله و رفتار نمایند.

(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس

نمره - ۲۹

مکتوب سیر اسپرینگ رایس به سرادواری (وصول هشتم ژوئیه)

از قلهک مورخه ۲۱ ژوئن ۱۹۰۷

[۳۱ خرداد ۱۲۸۶؛ ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۵]

با کمال افتخار خلاصه حوادث و اتفاقات عمومی ایران را که در ماه ژوئن بوقوع پیوسته لفاً ارسال می‌دارد.

(امضا) سیسیل اسپرینگ ریس

در تلو نمره (۲۹)

خلاصه حوادث یکماهه

شمال ایران

طهران

مجلس ملی - مذاکراتی که در ظرف هفته اخیر ماه مه در مجلس ملی مطرح یافته و استمرار داشت راجع بود به تساوی حقوق افراد مردم در پیشگاه قانون بدون رعایت مذهب، و در این خصوص قرار شد که يك ماده الحاقیه به قانون اساسی ضمیمه شود ولی بواسطه اتفاق احزاب برضد دولت دفعته آن مذاکرات به ختم انجامید و موضوع دیگر بمیان آمد. در تبریز بازارها تا مدتی تعطیل و دکاکین بسته شده بود و آنجا به مجلس طهران بدین مضامین اخبار دادند که جمعی از طرف شاه گماشته شده‌اند که انجمن ایالتی را دچار مشکلات نمایند و قشونی مرکب از چریک بطرف شهر رهسپارند و نیز کارکنان شاه به اشخاص معین پول داده‌اند که بعضی از اعضاء انجمن را بقتل رسانند - دیگر آنکه رحیم خان رئیس دزدان قرجه داغ که این وقت در طهران اقامت داشت به پسر خود موسوم به بیوک خان تلگراف نمود که اعمال وی در پیشگاه شاه مورد بسی تمجید واقع گردید.

این تلگراف، هم اهالی تبریز را بخشم درآورده و هم مردم طهران را بهیجان؛ بطوریکه جداً خواهان مقید ساختن رحیم خان شدند که بفوریت انجام یابد - دولت پس از دو روز سرتافتن عاقبت روز ۲۷ ماه مه [۶ خرداد؛ ۱۴ ع ۲۴] ناچار به قبول این امر تن درداد - و ۲۵ و ۲۶ بازارها را در طهران بستند و چندین هزار نفر با حالت هیجان در مجلس اجتماع نموده روز ۲۵ را تقریباً تا ساعت پنج از شب در آنجا توقف داشتند - مردم جشن مولود شاه را که بایستی شب ۲۶ چراغان نمود مانع شدند حتی بانك شاهنشاهی را اجازه آئین بستن و چراغان ندادند - اهالی طهران در نمایش و بروز حسیات خویش وضع انقلاب و شورش را اتخاذ نموده بودند - و نطق‌هایی که در صحن مجلس می‌شد تمام بر ضد سلطنت بود - اجزاء وزارت امور خارجه اظهار می‌داشتند که اگر خواهشهای مردم که تماماً صحیح و صوابند پذیرفته نشود همگی بطور اجماع ترك مشاغل خود را از وزارتخانه خواهند نمود و باید دانست که متجاوز از هجده ماه است به ایشان مواجب و حقوق اداری پرداخته نشده است.

در مدت این ماه دسته‌ای از مفرضین مفسد به ریاست برخی از ملاهای مشهور از جمله شیخ فضل‌الله مجتهد و نیز رئیس سیدها ملقب به نقیب‌السادات در ضدیت و مخالفت با مجلس ملی جدیدی وافی و فعالیتی شایان ملاحظه ظاهر ساختند - نقیب‌السادات پسر خود را به سفارتین انگلیس و روس روانه نمود تا اطلاع دهد که دو هزار نفر می‌خواهند به سمت

نماینده‌گی بعنوان تعرض و شکایت از اقدامی که مجلس بتازگی در موقوف داشتن تیول‌ات اختیار کرده است بدان سفارتین ورود نمایند - چون بکلی بی‌اعتنائی دیدند دیگر تجری ننموده ظاهراً اینگونه تشبثات و دسیسه‌کاری را حالیه تا اندازه‌ای متروک داشته‌اند. روز ۳۰ ماه مه [۹ خرداد؛ ۱۷ ع ۲] مسیو نوز از طهران عزیمت نمود و در ورود به انزلی مردم وی را مانع از حرکت گردیده به ذریعه<sup>۱</sup> تلگراف از مجلس شورا سؤال نمودند که آیا مشارالیه بتعمویب مجلس از این مملکت خارج می‌شود یا بدون اطلاع عازم است؟ - بالاخره پس از حصول اجلزه داخل کشتی گردیده روانه شد.

بی‌پولی اثر شدیدی نموده و دولت بی‌اندازه اظهار احتیاج می‌نماید و اتابک اعظم در تمام مواقع به آن خیلی اهمیت می‌دهد. چندی گذشته در طرح بانک ملی و تاسیس آن مجدداً اقدام ضعیفی بعمل آمد و اتابک اعظم پیشنهاد نمود که بایستی مبلغ دو بیست هزار لیسه از بانک شاهنشاهی برای بانک ملی استقراض تجارتنی و مساعدت طلبید ولی مسیو رابینو (رئیس سابق بانک شاهنشاهی) اظهار داشت که بانک شاهنشاهی به دولت ایران فشار آورده است که تأدیة همین مقدار قرضی که نموده است بنماید و دیگر آنکه بانک ملی هنوز وجود خارجی ندارد. در همین اوقات سربازها در اخذ حقوق بنای فشار را گذاشتند و نیز پلیسهای طهران برای مطالبه مواجب پس افتاده یک ساله خویش اجتماعات و سختگیری می‌نمودند.

چندین روزنامه جدید بتازگی ابداع گردیده که مسلك طرفداری عامه (دیموکراتیک) و ضد اشرافی را اختیار نموده‌اند. روز پانزدهم همین ماه شخصی موسوم به رجب افندی به ضرب گلوله به هنگام روز در طهران بقتل رسید.

#### تبریز

در مدت نیمه اخیر ماه مه بازارها تعطیل و بسته گردید و شهر عملاً به حالت نظامی درآمد. دستجات مسلح که در خدمات انجمن ایالتی اشتغال داشتند شبها را به پاسبانی و محافظت کوجهها می‌پرداختند و از همین قبیل پاسبانها تمام معابر و گذرگاههای شهر را نگهبانی نموده از تمام عابرین، خواه اشخاصی که داخل و یا خارج از آن اماکن می‌شدند، اسم شب خواسته حتی هریک را با کمال دقت تفحص و رسیدگی می‌نمودند.

روز بیست و یکم ماه مه [۳۱ اردیبهشت؛ ۸ ع ۲] سه نفر به عزم کشتن جمع معینی از اعضای انجمن ایالتی که در تلگرافخانه متوقف بودند بدانجا وارد شدند. از حرکات و رفتاری که می‌نمودند درباره ایشان سوء ظن حاصل آمد؛ بدان واسطه به گرفتاری هر سه تن اشارت رفت. از آنها یکی به مدافعه و پافشاری ایستاد - از آن جهت هدف گلوله گردید از پای در افتاد و جراحاتی مهلك یافت. آن دوی دیگر را که مجروح نبودند بقدری زدند تا عاقبت اقرار کردند که هر سه از اهل قرجه‌داغ می‌باشند و یکی از ملازمان شاه ملقب به اکرم‌السلطان به هریک وعده اعطای صد تومان و یک قبضه تفنگ نموده است که اعضای

(۱) ذریعه = وسیله

رئیسۀ انجمن را بقتل رسانند. آنکه مجروح بود قبل از حالت احتضار با کمال اختیار بیانات دو همقدم بداندیش خود را ثابت و تصدیق کرد.

روز بیست و دویم [اول خرداد؛ ۹ ع ۲] انتشار یافت که بیوک خان پسر رحیم خان با سوار و جمعیت زیاد بقطرف شهر رهسپار است و تمام دهات بین راه را غارت می‌نماید. دو روز بعد تلگرافی بدین مضمون اشاعه یافت که یکی از طوایف محلی تمام دهات رحیم خان را در غیاب پسرش مشغول غارت و چپاول شده و پسر رحیم خان مجبور به معاودت گردید که املاک پدر خود را از تاراج محافظت نماید. لهذا خوفی که از حرکت وی بجانب تبریز همه را فرا گرفته بود بواسطه اشاعه این خبر تا اندازه‌ای فرو نشست - روز بیست و پنجم [۴ خرداد؛ ۱۲ ع ۲] مکتوبی از بیوک خان بعنوان حاکم بدست آمد که در آن اظهار داشته بود بسیاری از دهات را غارت کرده است و اگر حکومت قول بدهد حاضر است به شهر تبریز وارد شود و انجمن ایالتی را تا به طهران بدواند. وقایع فوق چنانچه مستر راتیسلا راپورت می‌دهد بیشتر سبب تنفر و بی‌اعتمادی عموم مردم از شخص شاه گردیده است.

بعد از آنکه مکتوب بیوک خان بچنگ آمد فوراً حاکم را بقید حبس درآوردند و تا مدت دو روز، یعنی از ۲۵ تا ۲۶ مه [۴ و ۵ خرداد؛ ۱۲ و ۱۳ ع ۲] این مطالب در مجلس طهران مطرح مذاکره بود و عاقبت نتیجۀ مباحثات این شد که رحیم خان را گرفتار نمایند - چنانچه از این پیش مذکور گردید. پس از گرفتاری رحیم خان اغتشاشات تقریباً روی به تخفیف و آرامی نهاد و بهمین طریق باقی بود تا پنجم ماه ژوئن [۱۵ خرداد؛ ۲۳ ع ۲] که بواسطه کمیابی نان دوباره تجدید یافت - اهالی تبریز برای مطالبه و حصول گندم به تلگرافخانه که تا آن وقت وکلای انجمن در آنجا متوقف بودند اجتماع نموده و در آن روز یکنفر از تجار متمول شهر را به احتمال اینکه گندم احتکار کرده است بقدری زدند تا هلاک گردید. بعد جسدش را در خارج تلگرافخانه آویختند و تا مدتی اضطراب شدیدی مردم را فرا گرفته بود چنانچه صاحبان غله و گندم از ترس مصمم شدند که به قنصلخانه اعلیحضرتی پناهنده شوند. مستر استهون<sup>۱</sup> که در غیاب مستر راتیسلا و مسافرتش به لندن امور قنصلخانه را در عهده داشت مردم را از دوباره تحصن جستن به قنصلخانه منصرف گردانید. اواخر ماه راپورت رسید که در ماکو از محال شمال غربی آذربایجان اغتشاش و بی‌نظمی در پیوست و مردم رئیس<sup>۲</sup> خود را از آنجا خارج نمودند. در گرفتاری بیوک خان اقدامات بعمل آمده ولی هنوز به دستگیری او موفق نشده‌اند.

#### رشت

روز بیست و پنجم مه [۴ خرداد؛ ۱۲ ع ۲] کارگذار وزارت امور خارجه از اینجا عزیمت نمود و چون حاکم جدید هنوز وارد نشده است گویا مواظبت در امور حکومتی را به امنای خود این ولایت واگذار کرده باشند و بدینجهت است که بالنسبه نظم و آرامی

(۱) مستر استهون = ویس قنصل انگلیس در تبریز

(۲) چنین است در متن اصلی.

اعاده یافته با اینکه طرفداران ملت بر فعالیت خویش همی افزودند. روز دوم این ماه که انجمن ولایتی از اوضاع تبریز مطلع گردید احساسات خود را در همراهی با تبریزیان اظهار داشته و بازارها را بستند و با تبریز و طهران مشغول مخابرات تلگرافی شدند و بتوسط سفارت اعلیحضرتی پیغاماتی چند به مجلس طهران فرستادند.

پس از آنکه دانسته شد که امور تا اندازه‌ای موافق رضایت خاطر جمهور انجام پذیرفته است آن وقت به باز کردن بازارها اقدام نمودند.

طالب که یکی از بلوک ساحل بحر خزر و واقع مابین انزلی و آستارا است معشوش گردید و خبر اغتشاش آن انتشار یافت. چون انجمن ولایتی انزلی بواسطه نزاع داخلی منحل شد بنابر این روز هفتم ماه مه [۱۷ اردیبهشت؛ ۲۳ ع ۱] در آنجا نیز بی‌نظمی و هرج و مرج روی داد.

### مرکز ایران اصفهان

حضرت والا نیرالدوله به جای نظام‌السلطنه به حکومت اصفهان منصوب گردیدند. سردهسته‌های ملتیان تبریز به مجتهدین اصفهان تلگراف نموده در فشار آوردن به شاه استمداد طلبیدند و آقاجفی به مردم توصیه نمود که تا مواد متمم قانون اساسی به امضای شاه نرسد مالیات را ادا نکنند و نظام‌السلطنه که این حکم را شنید به ملاقات وی شتافت و عاقبت گفتگوی ایشان در آن خصوص منجر به تشدد و تغییر گردید. چون متمم قانون اساسی از مواد مهمه است هنوز در تحت نظریات و مذاکرات مجلس طهران باقی است.

آقا تجفی روزی در مسجد شرح مفصلی از فواید متروک داشتن اقمشه اروپایی بیان نمود و می‌گفت او و سایر علما از این به بعد به ترک منسوجات فرنگی خواهند کوشید و نیز انجمن ولایتی مکتوبی به حاکم نوشت که در ممانعت ایرانیان از فرستادن اطفال خویش به مدرسه دعای عیسوی مساعدت و همراهی نماید.

### بختیاری

اخباری که در موضوع عزل صمصام‌السلطنه از رتبه ایلخانی‌گری واصل شد تماماً مشعر است بر اینکه سبب عمده آن تحریکات و دسایس نظام‌السلطنه بوده که با خواتین این طایفه معاندت و ضدیت دارد.

مجدداً خبر رسید که مقام ایلخانی‌گری دوباره به صمصام‌السلطنه تفویض گردید و آن مقارن بود با عزیمت نظام‌السلطنه از اصفهان بطرف شیراز که مقر حکومت جدید وی است و در آنجا دیگر ارتباطی با این ایل نخواهد داشت.

این تغییرات قبل از ورود امین‌السلطان به طهران بود که محتمل است در استقرار صمصام‌السلطنه اقدام و جدیت نموده باشد.

خلاصه، در اواخر ماه مه [دهه اول خرداد؛ دهه دوم ع ۲] مابین حامیان طرفین نزاع در پیوست و سواران صمصام‌السلطنه به هرسو روانه شده به کاروان و قوافل حمله



می‌آوردند.

### سلطان آباد

حاجی آقا محسن که در این نواحی مرتکب بسی شرارت‌های بیرحمانه شده هبوز آزاد می‌باشد و مجلس طهران تاکنون نتوانسته است وسایل گرفتاری او را فراهم سازد.

### جنوب ایران

#### شیراز

اوضاع شهر شیراز تا مدت يك ماه بواسطه مخالفت فرق مختلفه به اغتشاش می‌گذشت و قوام‌الملک که ظاهراً مرکز انقلابات شناخته شده بود مردم به قوت مجلس طهران و احکام شاه جداً خواستار حرکت او از شهر بودند؛ ولی او مانند همیشه وقعی بدین سخنان نگذاشته امتناع از پذیرفتن تقاضای ایشان داشت. بنابراین اجتماعات متضاده تشکیل یافت بدینطریق که مردم یکی از مساجد را مأمن خویش قرار داده در آنجا مجتمع شدند و طرفداران قوام برضد ایشان در مسجد دیگر جمعیت نمودند و بسی گفتگوها که بمیان آمد. خوشبختانه قنصل انگلیس را مانند واقعه سابق در این منازعه مداخلتی ندادند. در همین اوقات خبر داده شد که قوام‌الملک از شهر خارج گردید. راهها به همان حالت ناامنی همیشگی باقی است و از قرار راپورت‌هایی که می‌رسد کاروان و پست اتصال دچار سرقت می‌گردند.

(امضا) چرچیل

از قلهك ۱۸ ژوئن ۱۹۰۷  
[۲۸ خرداد ۱۲۸۶؛ ۶ ج ۱، ۱۳۲۵]

### ضمیمه خلاصه یکماهه راجع به تجارت

نظر تجارتي در ایران بهرنحوی که تصور شود امیدبخش نیست چه اوضاع سیاسی چنان غیر معلوم و نامعین است که ضرر تجارت را با منافع احتمالی آن هیچ قدر تناسبی مابین نباشد. حالیه بواسطه اختلال امور سیاسی و کسادى پول در بازار و عدم امنیت طرق و شوارع اعمال تجارت به آن طریقی که اطمینان خاطر حاصل آید اجراپذیر نیست: اداره گمرکات که دچار حملات شدیدة مجلس گردیده و شاید زمانی تماماً به دست ایرانیان بازگشت نماید و البته در آنوقت نتیجه جز بی‌نظمی بخشیده نخواهد شد هنوز در تحت ریاست بلژیکها باقی است ولی بر شکایات سابقه افزوده نگشته است.

سر ادواردگری به سیر اسپرینگ رایس

از وزارت امور خارجه ۱۷ ژوئیه ۱۹۰۷

[۲۵ تیر ۱۲۸۶؛ ۶ ج ۲، ۱۳۲۵]

آقای من

مکتوب مورخه ۱۸ ماه گذشته شما که حاکی از پناهندگی متحصنین به قسولخانه اعلیحضرتی در کرمانشاه و شلیک کردن مدعیان پلتیکی ایشان از خارج بطرف آنها بود واصل گردید. اقدامات شما را در این خصوص چنانچه راپورت داده بودید تمجید و تحسین می‌نمایم. (امضا) ا. گری.

مکتوب سیر اسپرینگ رایس به سر ادواردگری (وصول ششم اوت)

از قلعهك ۱۰ ژوئیه ۱۹۰۷

[۱۸ تیر ۱۲۸۶؛ ۲۸ ج ۱، ۱۳۲۵]

با کمال افتخار عرض می‌نمایم که چون در ششم همین ماه به حضور شاه شرفیاب شدم به جهات معینه مصاحبت چنین دیدم که این شرفیابی رسمی را موقعی مغتنم شمرده از اوضاع ایران به آن اعلیحضرت بیانات سخت معروض دارم. یکی از مجتهدین عمده با جمعی از اتباع خود برای پرتست نمودن و تعرض بر مشروطه و انکار مجلس شورا بست اختیار کرده و آنچه را که تقاضا می‌کند مشتمل است بر طرد و نفی بیشتری از اعضای عالییه مجلس و اعاده اساس قدیمه و اجرای آن. در هر روز يك مبلغ کثیری که تقریباً معادل است با صد لیره برای مخارج به او داده می‌شود و عامه را اعتقاد آن است که این وجه را از خزانه شاهی عاید می‌دارد - نتیجه‌ای که این حرکت بخشیده است طبعاً افکار عموم را بطور شدت به هیجان و خشم درآورده و همه روزه خاطر مردم را از شاه بیشتر متزجر می‌سازد و بعلاوه کلیه مردم ایراد می‌کنند که اطراف شاه را درباریانی احاطه کرده‌اند که همان روش قدیمه را اتخاذ کرده و آنها کسانی هستند که جز پر کردن جیب خود از ماحصل دسترنج ملت و یا از استقراضهای خارجه مقصود و آمال دیگری ندارند و در حقیقت بقای مجلس را بزرگترین عایق و مضر پیشرفت مقاصد خویش می‌دانند.

بواسطه اعتماد تامی که شاه به اینگونه اشخاص دارد ناصحین واقعی و خیراندیشهای حقیقی مورد توجه نبوده و نمی‌گذارند طرف مشاوره واقع شوند.

اتابك که چندان میلی به اساس عمومی نداشته و می‌داند بواسطه اینکه همان اسماً وزیر مسؤل شاه است در چه موقع خطرناکی گرفتار آمده به من پیغاماتی فرستاد به امید اینکه چون من صادقانه با شاه سخن می‌گویم شاید به زبان من مؤثر واقع شود. علیهذا وقتی که من مکتوبات پادشاه انگلستان را تقدیم شاه نمودم شرف حضور را از آن اعلیحضرت تمنای خلوت کردم.

شاه با کمال کراهت و بی میلی ظاهراً اجازت داد و اشخاصی که حضور داشتند خارج شدند مگر من و عباس قلی خان که باقی ماندیم.

من شروع نموده گفتم که از زمان جلوس آن اعلیحضرت تا کنون بقدری حوادث ناهنجار و اتفاقات مختلفه روی داده که ناگزیر به شرح آن خواهم پرداخت و اعلیحضرت را از چگونگی مطلع [خواهم] ساخت، از جمله پست سفارت را در دو موقع دزد بسرقت برده است؛ از طرفی مردم بجبر داخل قنصلخانه ما می شوند و از خارج بسمت آن شلیک می کنند. تجار ما گرفتار چپاول شده اند و غلام قنصلخانه را با این که لباس رسمی قنصلخانه را پوشیده بود در ملاء عام زده اند و مقصود من از بیان این وقایع نه اینست که خاطر آن اعلیحضرت را تصدیع بدهم در صورتیکه می دانم اینگونه مطالب را باید با وزراء گفتگو نمود ولی خاطر همایونی را از اوضاع عمومی مملکت که این حوادث از علائم و نمونه های ظاهره آنست مسبوق و مستحضر دارم و البته می دانند که پادشاه متبوع من سعادت و آسایش شاه را به منتهی درجه خواهان است و چون منافع دولت ایران با بریطانیای کبیر پیوسته بهم است لهذا از تکالیف لازمه خود می دانم که آنچه از نقاط مختلفه شنیده در پیشگاه همایونی آشکار دارم. از آنجمله می گویند که آن اعلیحضرت مخفیانه در تخریب تشکیلات و برضد اساس ملی که اعطای آن بیشتر به اراده شاهنشاهی بوده مشغول و در کارند - هر چند دولت متبوع من هیچگونه نظری در طریقه سلطنت ایران تا آن زمانی که در انظار قوی و محترم است ندارد خواه سلطنت شورای یا غیر آن باشد. لیکن وجود این شایعات با اینکه یقین دارم کذب محض و دروغ صرف است گمان می کنم استحکام سلطنت و حفظ سلطه آن را خطری عظیم باشد. اعلیحضرت می داند که چه نوع اشخاص اطراف پدرش را احاطه کرده خود را شاه پرست جلوه داده بودند و به چنگ آوردن ثروت و آبادی خویشتن پرداخته دولت را پریشان و محتاج ساختند. هنوز همان نفوذ در اطراف تخت سلطنت موجود است و در تخریب مشروطیت که پادشاه در نگاهداری اساس آن سوگند یاد کرده همی کوشش دارند. اعمال آن قبیل اشخاص است که شاه را طرف اترجار و نفرت مردم قرار داده و مقصود عمده ای که اینگونه اشخاص در نظر دارند فقط اخذ منافع و خرابی شخص شاه است.

شنیده شده است که دول خارجه چنان مایل به اقتدار شاه می باشند که اگر تزلزل سخت و خطر شدیدی به آن روی دهد نظر به حفظ آن البته مداخله خواهند نمود. بنابراین من با یک جدیتی شاه را آگاه ساختم که اگر به امید معاضدت و کمک خارجه آن اعلیحضرت را به مجادله برمی انگیزانند حمایتی نخواهد شد. دولتین انگلیس و روس هر دو مصمم شده اند که به مداخله نپردازند مگر در موقع محافظت منافع و مصالح خویش و اتباع خود. ولی هر گاه مملکت بی نظم، و اقتدار مرکزی معدوم، و منافع خارجه در مخاطره باشد آن وقت هیچ جای تردید نیست که مداخلات حتمی الوقوع خواهند بود و در آنصورت البته از دست خواهد رفت و حتی اگر موقع مداخله اتفاق افتد آن وقت اختیارات و اقتدارات شاهی بکلی اضمحلال خواهد یافت. پس چون نه شخصاً می توانند در مقابل هیجان ملی ستیزه کنند و نه اتکاء به کمک خارجه نمایند فقط چاره در این است که به اتحاد معنوی پرداخته در پیشرفت

امور تجدد واقعاً حاضر شوند تا آنکه با حس سپاسگزاری و شاهپرستی ایرانیان حشمت و شوکت آن اعلیحضرت عودت یافته اقتدار وی بر اجدادش برتری یابد. در خاتمه از آن اعلیحضرت استدعا نمودم گستاخی مرا که مبنی از احساسات خیرخواهانه دونت متبوعه من درباره آن پادشاه و ناشی از احساس مخاطراتی است که آن اعلیحضرت را احاطه نموده معذور دارند.

اعلیحضرت شاه با کمال دقت بیانات مرا اصغاء می فرمود و بهیچوجه آثار کراهت بظهور نرسانیدند بلکه چون اطمینان داشتند که آنچه معروض داشته‌ام از ضریق دولتخواهی صادقانه بوده اظهار امتنان فرمودند و می گفتند که بی‌نظمی مملکت نتیجه تغییرات ناگهانی و تغییرات شدیدست که در اساس و طریقه حکومت داده شده و بعلاوه هر مملکتی ممکن است دچار انقلابات داخلی بشود و نیز می فرمودند همیشه عقیده من این بوده که برای هر مملکتی سلطنت دستوری بهترین ترتیب حکومتها است ولی نه مثل مشروطه کنونی ایران. چه مجلس مشتمل بر جمعیت بی‌نظم نادانی است که هر یک در فکر مقاصد شخصی بوده اتصال به منازعه می پردازند که شاید آب را گل آلود نموده ماهی بگیرند. ولی برای این مملکت یک مشروطه معتدلی لازم بود که «از یکی از ممالک اروپا اقتباس شده باشد»، اما مردم متوقعند که همه چیز بفوریت به آنها داده شود و بنابراین لازم است انتخابات را تجدید نموده مجلس را دوباره تشکیل داد.

من در اینجا اعلیحضرت را بیاد آوردم که در نگاهداری قانون اساسی به قید قسم ملزم آمده و متعهد شده است تا مدت دو سال مجلس را منقصل نسازد و هم معروض داشتم آن کسانی که صلاح اندیشی در نقض عهد می نمایند، آنها می دانند که شاه را به یک خطر عظیمی که عبارت از تکفیر باشد دچار خواهند نمود که «از قول خویشان سرتافته و عهد با خود را نقض کرده» - چنین کرداری را پیشوایان کربلا چه خواهند گفت؟ - بلکه فقط شهرت این اراده زیان کلی برای وی خواهد بخشید چه رسد به دخول در عملیات آن! - جواب فرمودند که: «درفضا مملو است از اخبار دروغ که دشمنان ملت جعل و منتشر می کنند چنانچه به تهمت می گویند من شیخ فضل الله را تشجیع و تشویق به مخالفت می نمایم در صورتیکه بکلی دروغ است. شیخ بواسطه مناقشه با ملاهای هم افق خویش تحصن اختیار کرده و بست نشستن او ربطی به شاه نخواهد داشت. از مسلمات است که تفرقه مابین شاه و رعایای او از ممتنعات می باشد و نمی توان آنها را از یکدیگر تفکیک نمود چه هر یک لازم و ملزوم یکدیگرند. اما راجع به مالیه - بخوبی می دانم که درباریان پدرم قروض سابقه را به چه راههایی صرف نمودند که بهیچوجه فوایدی بر آن مترتب نبوده و من مراقبت خواهم کرد که دیگر چنین نشود. زیرا اکنون با وزیر مالیه مشغول طرح ترتیباتی هستم که مالیه را تعدیل و امور آن را منظم نمایم. لهذا می توانم اطمینان بدهم که در آتیه آنچه از خارجه استقراض شود صرف نخواهد گردید مگر در راه ترقی و آبادی مملکت.» و می فرمود: «موقع از جهتی خیلی مشکل و کار از طرفی بسیار بزرگ است.» در جواب عرض کردم که کار بزرگ شایسته پادشاه بزرگ است و نیز اظهار داشتم که آن اعلیحضرت همه وقت می توانند اطمینان به احساسات صمیمانه و همراهی دوستانه

دولت متبوعه من بنمایند. در این موقع مجدداً اظهار امتنان فرموده و مخصوصاً هویدا بود که در طول مدت این ملاقات با کمال مهربانی و بطریق محبت برخورد می فرمایند. (امضا) سیسیل اسپرینگ ریس

## نمره - ۳۳

مکتوب سیر اسپرینگ ریس به سر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

از قلهك ۱۲ ژوئیه ۱۹۰۷

[۲۰ تیر ۱۲۸۶؛ یکم ج ۲، ۱۳۲۵]

آقای من

با کمال افتخار راپورت اوضاع مالیه را از قرار ذیل معروض می دارد. تاکنون پیشرفتی در تأدیه قروض بانک شاهنشاهی حاصل نگردیده و مسیو رایینو مکتوبی مشعر بر مطالبه قروض به وزیر مالیه نوشته که من سواد آن را لفاً با کمال افتخار ارسال می دارم و نیز در مراسلات رسمی خودم مکرر در این خصوص به دولت ایران اظهار نموده ام؛ شفاهاً جواب داده اند که مجلس از وزیر مالیه خواهش کرده که سه ساله راضی به استهلاك دین شود و همین مطلب را زبانی به سفیر روس گفته اند. ولی من بر حسب تعلیماتی که آن جناب داده اظهار داشتم که اگر کتباً در این باب تمنا نمایند آن وقت دولت متبوعه من ملاحظات دقیقه خود را راجع به آن دریغ نخواهد داشت مع هذا نه به من اظهار کتبی شد و نه به سفیر روس.

روش دولت ایران در مقابل تعهداتی که با دولت بریطانیا و طلبکاران انگلیسی نموده فقط تجاهل و تسامح باشد و هر وقت از بابت قروض دولت روس مبتلا به فشار و سختی می شود آنوقت از تأدیه قروض جاری بانک روس به طفره و تغافل می پردازد. مقدار این قروض جاری چنانچه از وزیر مختار روس اطلاع یافته ام تقریباً معادل است با ۴۲۰،۰۰۰ لیره (۲،۱۰۰،۰۰۰ تومان). تا حال ادارات لشکری و کشوری و همچنین اعضای وزارت امور خارجه حقوق مرسومه خود را دریافت نداشته اند؛ حتی مدت دوماه موجب بریگاد قزاق بعقب افتاده بود و بانک روس فقط مبلغی در وجه بریگاد برای دوماه گذشته مساعدت نمود و متعذر است که از این به بعد چنین مساعدتها بحساب جاری داده نخواهد شد مگر آنکه بترتیب منظمی استقراض نموده رسماً آن را امضا و از محل گمرکات ضمانت نمایند. ولی وزراء از قبول آن ترس دارند زیرا اگر در تهانی قرار داد استقراض جدیدی با خارجه شود شخصاً مسؤل و مورد ایراد مجلس خواهند گردید. از وزیر مختار روس و مسیو مورنارد شنیدم که بتازگی عنوان شده است بریگاد قزاق از اداره گمرکات يك قسمتی از عایدات گمرک شمالی را به همان طریقی که از بابت قروض دولت روس پرداخته می شود عاید دارد.

در این اواخر پلیسهای پایتخت برای اخذ حقوق از خدمت کناره نمودند، جلوگیری و رفع این غائله بواسطه اعانه مخصوصی گردید که به آنها داده شد. و از جمله مطالبی که موضوع بحث و ایراد واقع شده گسیل داشتن يك هیئتی است با مخارج گزاف به دربارهای خارجه برای اعلام جلوس شاه که دولت با این اشکالات وضیق مالیه آن را تصویب نموده است.

پول در بازار یافت نمی‌شود و بواسطه تنگدستی یکنوع فشار و زحمت دائمی فراهم آمده اما شگفت در اینست که امور اداری با این حالی که مشاهده می‌شود مع‌هذا در جریان است و ادارات مختلفه با اینکه به هیچیک از اجزای آنها حقوق داده نشده باز در زحمات و کارهای خود مشغول می‌باشند. آنهمه تهدیداتی که با یک طریق دهشت‌آوری گوشزد اتابک می‌نمودند و ماه گذشته راپورتش را ارسال داشتم تاکنون بموقع عملیات نرسانده‌اند. آشوب حالیه را نمی‌توان شورش عمومی نامید بلکه همان هرج و مرج ساکتی است که از شش‌ماه قبل تمام ایران را فرا گرفته و آنچه از دفاتر و «آرشیو» این سفارت مستفاد می‌شود انقلابات اتفاقیه از سنه هزار و هشتصد و نود و دو تا حال استمرار دارد:

از وزیر مالیه راجع به اصلاحات امور مالیه که از مسائل مهمه شمرده می‌شود شخصاً استعلام نمودم. ایشان مذکور داشتند که در مالیات بستن به اراضی تا اندازه‌ای موفقیت حاصل گشته ولی اشکال عمده‌ای که در اینوقت موجود است نبودن قواعد تفتیش می‌باشد و شاه هر مقدار پولی که خواسته باشد شخصاً حواله می‌دهد بدون آنکه تعیین نماید برای چه مقصودی به مصرف خواهد رسانید.

بواسطه موقوف داشتن تیولات و تصرف اراضی خالصه و نیز مقطوع نمودن مواجبه‌های ناشایسته یک مبلغ منافع ثابت معتنابه به دولت عاید شده است. اما مقدمات اصلاح مالیه ناچار باعث نارضایتی مردم خواهد گردید و هیچکس، بخصوص وزیر مالیه، جرئت ایستادگی و مقابلی را نخواهد داشت و برخود وزیر مالیه بخوبی معلوم است که اوضاع کنونی بهیچوجه امکان پذیر نیست و به من جداً گفته است که اگر این رویه تا چندی دیگر استدامه بیابد بطور حتم استعفا خواهد داد.

حالیه نظریات او اینست که دولت بایستی تعهد و ضمانت کند که اقساط قرض خارجی منظمآ پرداخته شود نه اینکه قرارداد نماید که تأدیة اصل یا استهلاك دین در مدت سه‌سال بطول انجامد. بهر حال اگر دولتین بخواهند قرارداد محدودی نمایند البته مجلس از تعهد مالیه ملی امتناع ورزیده قرار دادی نخواهد نمود و نتیجه معوق می‌ماند. من گفتم شاید در اینصورت دولتین متفقاً عمل عمومی را که در مواقع ورشکستگی معمول است اتخاذ نموده دولت ایران را ملزم و مجبور نمایند که در این بینها حق استقراض از جای دیگر نداشته باشد.

اظهاراتی که بطور خصوصی با وزیر مختار فرانسه راجع به خواستن یکنفر خزانه‌دار فرانسوی برای کسب اطلاع از اوضاع عمومی مالیه و مدیری بانک ملی که اکنون مطرح مذاکره است شده بود صورت مختصری یافته ولی تا حال درخواست رسمی در آن باب نشده است. البته از مسلمات است که در تعدیل مالیه فقط راهی که ممکن است به آن رسید اینست که ابتدا از حقیقت و باطن امور کاملاً استعلام نمود و پس از آن اصلاحات لازمه معین را منظور نظر آورد از جمله مرتب داشتن بودجه ثابتی از دخل و خرج و نیز مجتمع ساختن قروض مختلفه را به قرض واحد و بدین مقصود نائل نتوان شد مگر

با يك قوه فعال مؤثری که آن را هم فقط می‌توان از خارج بکار برد. دولت و مردم ایران تاکنون درصدد تحقیق حالات واقعی امور برنخاسته‌اند و چه حیل‌ها که بکار نمی‌برند تا سلب مسؤلیت از خود نموده انجام و فیصله کارها را بتأخیر اندازند.

آنچه از بیانات مسیو مورنارد و وزیر مالیه استدراک نمودم از آنروی می‌توانم بگویم که اقدام واقعی در پیشرفت اصلاحات بعمل نیامده و هر مقدار پولی که استقراض نمایند فوراً تفریط و تبذیر خواهند نمود بدون اینکه اقل فایده‌ای به دولت عاید گردد. تا تفتیش جدی با يك قوه مجریه مسلحی بعمل نیاید و بودجه ثابتی مرتب نگردد هرگونه مساعدت مالیه که بشود به مصارف بیهوده خواهد رسید.

خلاصه اینکه با این اوضاع حاضره هیچ امید و انتظاری در اصلاح مالیه نمی‌توان داشت. و منابع مفیده‌ای که دولت بتواند از آنجاها تحصیل مالیه نماید موجود نیست و قروض خارجه دولت ایران تقریباً معادل است با ۵,۰۰۰,۰۰۰ (پنج میلیون) لیره که از آنجمله ۹۰۰,۰۰۰ (نهصد هزار) لیره قروضی است که به قراردادهای خصوصی استقراض شده و مدتی از موعد تأدیة بعضی از آنها گذشته است. از این نهصد هزار لیره مبلغ چهارصد هزار آن بدهی به انگلیس است و پانصد هزار دیگر آن به بانک روس. و هرگاه نظم و امنیت اعاده شود و بخواهند این قروض خصوصی را از عایدات گمرکات با اینکه مجالس جدأ از قرارداد و قبول آن امتناع دارد بپردازند آن وقت منافع آن تفاوت کلی خواهد یافت. (امضا) سیسیل اسپرینگ رابیس

### ملفوفه (۱) در تلو نمره ۳۳

مراسله رئیس بانک شاهنشاهی به وزیر مالیه ایران

طهران ۱۸ ژوئن ۱۹۰۷

[۲۸ خرداد ۱۲۸۶؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۵]

با کمال افتخار صورت قروض دولت ایران را موافق فهرستی که لفاً ارسال داشته به نظر آنجناب می‌رسانیم.

هیئت رئیس ما نظر به اینکه دولت ایران مکرر وعده‌ها داده که بدون هیچ تسامح و تأخیر به تفریغ حساب خواهد پرداخت و اقدامی نشده لذا مؤکداً به ما تلگراف نموده که طلب ایشان را مطالبه نمائیم. همچنین دقت جناب شما را راجع به هفتصد و هفت هزار تومان بدهی دولت که شاه مرحوم<sup>۲</sup> سند ذمه‌ای سپرده بود و تاکنون مدتی از وعده آن گذشته است معطوف می‌داریم چون این مبلغ علاوه بر آن مقداری است که تهیه آن به رضایت خود ما بوده لهذا بایستی در ظرف همین یکی دو ماه تأدیه شود و الا هم برای دولت ایران اشکالات سخت تولید خواهد شد و هم برای بانک.

علاوه بر آنچه مذکور گردید خواهش می‌نمائیم مبلغ بیست و سه هزار و دو بیست و هفتاد لیره و هفت شلینگ قسط سالیانه را که از بابت مساعده دو بیست و نود هزار لیره

(۱) پنج میلیون لیره از قرار لیره‌ای پنج تومان معادل است با پنجاه کرور تومان.

(۲) شاه مرحوم = مظفرالدین شاه.

می‌بایستی در آوریل گذشته پرداخته شده باشد و تا حال عقب افتاده بزودی ایصال دارند.  
(امضا) رایینو  
(عامل بزرگ بانک)

### صورت کلیه قروض دولت ایران به بانک شاهنشاهی

۳۰ ژوئن ۱۹۰۷

[ ۸ تیر ۱۲۸۶؛ ۱۸ ج ۱ - ۱۲۸۶ ]

لیره	تومان	
۴۰۴،۱۲۰	۲،۰۲۰،۶۰۰	مجموع بدهی دولت تا ۳۰ ژوئن ۱۹۰۷
	۳۶،۲۸۳	قرضی که شاه در تبریز به حساب جاری نموده
۵،۵۴۳	۲۷،۷۱۵	بضمانت . . . . .
		از بابت قسط قرضه ۲۹۰،۰۰۰ لیره که در ۴
۲۳،۵۴۷	۱۱۷،۷۳۵	آوریل بایستی پرداخته شده باشد با منافع
		آن تا ۳۰ ژوئن . . . . .
		ضمانت اشخاص ذیل:
۴۲،۰۰۰	۲۱۰،۰۰۰	شعاع السلطنه . . . . .
۲۰،۸۰۰	۱۰۴،۰۰۰	امیر بهادر . . . . .
۱۳،۰۰۰	۶۵،۰۰۰	مشیر الدوله و غیره . . . . .
۵۱۶،۲۶۶	۲،۵۸۱،۳۳۳	مجموع فقرات فوق . . . . .
۲۹۰،۰۰۰	۱،۴۵۰،۰۰۰	قرض حقیقی . . . . .
۸۰۶،۲۶۶	۴،۰۳۱،۳۳۳	جمع کل . . . . .

نفره ۳۳ -

مکتوب سیر اسپرینگ رایس به سر ادوارد گری (وصول ششم اوت)

از قلهک ۱۸ ژوئیه ۱۹۰۷

[ ۲۶ تیر ۱۲۸۶؛ ۷ ج ۲ - ۱۳۲۵ ]

آقای من

افتخار دارم مطالبی را که کلنل دگلاس راجع به بریگاد قزاق ضبط و یادداشت نموده لفاً ارسال دارم. مشارالیه اشکالات ایصال حقوق بریگاد مزبور را توضیح داده قشونی که بتوان برای حفظ اتباع خارجه و نگاهداری نظم به آن اعتماد نمود فقط همین قسمت را می‌داند.  
(امضا) سیسیل اسپرینگ رایس



در تلو نمره (۳۳)

مکتوب کلنل دگلاس به سیراسپرینگ رایس

از قلعه هیجدهم ژوئیه ۱۹۰۷

[۲۶ تیر ۱۲۸۶؛ ۲۷ج۷ - ۱۳۲۵]

آقا

فرمانده حالیه بریگاد قزاق موسوم به کلنل لیاخوف که جوانی است به سن ۳۴ یا ۳۵ مدتی در اتامازور<sup>۱</sup> تفلیس مشغول خدمت بوده و چندین نوبت بعمل بازدید حدود آسیای عثمانی مأموریت یافته.

در ظرف این ده ماه که در ایران توقف دارد با بسی اشکالات در کشتی و نبرد بوده. تقریباً تا هیجده ماه قبل حقوق بریگاد را منظمآ تسلیم فرمانده آن می نمودند ولی از آن به بعد حقوقات بنای عقب افتادن را گذاشت و عاقبت دولت ایران که ظاهراً در تحت فشار و تنگدستی گرفتار آمد نتوانست پولی فراهم آورد که مابین صاحبان حقوق تقسیم نماید. لهذا دولت روس چون دید عنقریب این قسمت از قشون متفرق و پراکنده خواهد گردید ازاده کرده مقدار پولی که برای نگاهداری آن لازم است تهیه ببیند. مع ذلك بانک روس مبلغ هشتاد هزار تومان جهت همین مقصود به قرض داد و دیگر از هرگونه مساعدت امتناع ورزید. دولت ایران با آنکه وعده های بسیار می دهد لیکن تاکنون علانمی در تحصیل پول به ظهور نرسانیده و بنابراین اوضاع مالیه فعلاً مختل است.

در مجلس لاینقطع به بریگاد حمله آورده اقامه دلایل می کنند که این عده قشون در صورتیکه به پول ایران پرورش می یابد فقط برای منافع روس حاضر خدمت است چنانچه از صاحب منصب و تائین که مأمور ولایات می شوند مکلفند از کم و کیف و چگونگی هر محلی که توقف می کنند استکشاف نموده به مرکز ریاست خود اطلاع دهند. شاهسونهای بلوک ساوه که سالهای متمادی در تحت اقتدار فرمانده و رئیس بریگاد بوده بعلاوه سیصد نفر قزاق می دادند از پستی مقام خویش به مجلس شکایت کردند. نتیجه این انقلاب عزل ۲۲ نفر صاحب منصب و ۱۶۰ نفر تائین گردید.

در این چند سال اخیر بر عده دستجات کوچکی که در خدمت و محافظت حکام مأمور ولایات می شدند خیلی اضافه گشت. این دستجات چون جیره فوق العاده مرسومه را که در اوقات مأموریت عاید می داشتند اکنون بندرت دریافت می دارند غالباً ناراضی و گاهی آغاز سرکشی می کنند. کلنل لیاخوف از زمان ورود به ایران جداً ساعی بوده که حتی المقدور آن عده از قزاق در طهران باقی بدارد که در اوقات لازمه جهت حفظ اروپائیان يك قوه مختصری در تحت فرمان خویش بفوربت حاضر تواند نمود. ولی از کلیه هزار و پانصد نفر قزاق هنوز هشتصد نفر از مرکز غایب است و پس از طلبیدن دستجات مأموره را از هر جا که ممکن باشد باز در موقع اردوی تابستان که آخر این ماه شروع به تشکیل خواهد یافت بیش از هشتصد نفر نمی تواند جمع آوری نماید. حالیه از هشتصد نفر که حاضرند دو بیست نفر آن جزء توپخانه

(۱) اتا ماژور = ستاد فرماندهی .م.

و دویست نفر مأمور مستحفظی کوچه‌های طهران می‌باشند. لهذا کاری که کلنل لیاخوف در پیش دارد همچنان سهل نمی‌توان شمرد و اگر ترتیبی در منظم رسیدن حقوق بریگاد به آن طریقی که خاطر را رضایت بخش باشد داده نشود تقریباً آتیۀ بریگاد نامعلوم خواهد بود.

بنابر نظریاتی که دولت ایران در مخارج نظامی دارد هیچ جای شبهه نیست که این قوه دارای مخارج گراف می‌باشد. بودجه سالیانه آن معادل است با دوپست و بیست و هشت هزار تومان؛ يك قسمت آن را به جمعی از موظفین که اکنون عدۀ آنها ۲۱۲ نفر است می‌دهند و مبلغی به صاحبمنصبان خارج از تحت نظام که پس از عزل شاهشونها هنوز ۲۰۴ نفر باقی بوده از آنجمله سی نفر دارای رتبه سرتیپی هستند. دوبابت مستمری فوق با مواجب صاحبمنصبان صف از ثلث تا نصف مخارج کل را مشتمل می‌گردد. و چون این فقرات را از مجموع کل موضوع نمایند مصارف هر تایینی در سال از صد تومان قدری زیادتیر می‌شود.

فقط دسته قشونی که در اوقات اغتشاش برای حفظ نظم پایتخت و نگاهداری جان و مال اتباع خارجه بکار تواند آمد همین قسمت است. پس منافع اروپائیان در این است که این عده قشون باید به يك وضع مؤثری نگاهداری شده و باقی بماند.

دیگر از مطالب راجعۀ به بریگاد شرح حال کاپیتن کسوباایف است. این صاحبمنصب در سال گذشته مأمور تبریز گردید تا در آنجا يك عده سوار برای شاه حالیه که آن وقت ولیعهد بود جمع‌آوری و مرتب نماید. از آن زمان بریگاد را ترك نموده ولی به فرماندهی ۴۰۰ نفر سوار در دولت ایران استخدام یافته. گویا این عده سوار يك قسم گارد همایونی را تشکیل داده است و کاپیتن کسوباایف ظاهراً چندان اختیار و اقتداری بر آنها ندارد و تقریباً مقام کم زحمتی را داراست - به جای او در بریگاد کاپیتن بلارانوف مقرر گردید.  
(امضا) دگلاس  
اتاشه میایتر

#### نمره - ۳۴

مکتوب سر اسپرینگ رایس به سر ادواردگری (وصول ششم اوت)

از قلمك ۱۹ ژوئیه ۱۹۰۷

[۲۷ تیر ۱۲۸۶؛ ۸ ج ۲ - ۱۳۲۵]

با کمال افتخار خلاصۀ حوادث و اتفاقات یکماهۀ ایران را موافق آنچه مستر چرچیل درج نموده انقاد حضور آن جناب می‌دارم.

از مندرجات آن مفهوم جنابعالی خواهد گردید که بر بی‌نظمی این مملکت يك جزئی افزوده گشته ولی هنوز از اتباع خارجه که طرفداران ملت از ترس مداخلۀ اجانب مراقب حراست ایشان هستند سلب امنیت نشده است. نزاکت و انتظامات از صورت جلسات مجلس بخوبی مستفاد می‌شود. ولی منازعه با دولت مخصوصاً بیشتر رو به شدت می‌نهد. خلاصه

در اصطلاحات معنونه اهتمام واقعی بوقوع نپیوسته و اتابك بكلی مأیرس است از اینکه با مجلس اتفاق صمیمانه نمایند و دیگر مخالفت با شاه پوشیده و در نهانی نیست. در این اوقات از انتخابات جدیده گفتگو می‌رود.

(امضا) سر اسپرینگ رایس

در تلو نمره (۳۴)

### نخبه‌ای از حوادث یکماهه

#### اوضاع عمومی

تمام مملکت دچار حالت بدی شده و از ماه گذشته اوضاع عمومی آن بدتر گردیده. مستبدین برای پیشرفت مقاصد خویش به دسائس و وسائل مصنوعه اغتشاش طهران را فراهم آوردند. هر چند دولت اظهار بی‌پولی می‌کند و اجتماعات ساختگی هم‌روزه تشکیل می‌یابد مع‌هذا اثر خطری بر آن مترتب نباشد و با اینکه در بعضی ولایات مخصوصاً در شمال غربی گاهی مرتکب دزدی و سایر شرارتها می‌شوند لیکن احتمال آشوبی نمی‌توان داد که بدانواسطه جان و مال اتباع خارجه در مخاطره افتند.

چنانچه مسطور و مندرج نموده‌اند در سنوات ۱۸۹۲ و ۱۸۹۳، یعنی در سالهای آخر سلطنت ناصرالدین شاه، اوضاع از حیث سبب و باعث خیلی با جهات حالیه مشابهت داشته اگر چه در آنوقت نه به دولت روس مقروض بودند و نه مجلس ملی وجود داشت. در طهران به ریاست یکی از ملاهای بزرگ به مخالفت مجلس هیجان و اجماع نمودند. مخارج آن بواسطه شاه و درباریان مستبدی که اطراف وی را داشتند داده می‌شد. دریک موقع نزدیک بود نزاع و خونریزی بوقوع انجامد لیکن رؤسای آزادی‌خواهان به تدبیر و کیاست طریق آن را مسدود کردند.

کمی پول و احتیاج به آن که مخصوصاً به دولت و قسمتی از طبقات رسمی و تجار اثر شدیدی نموده مانند همیشه وسیله استقراض خارجی خواهد شد.

منفعت قسط قرض روس را که موعد آن ۴۱ ژویه بود پرداختند و از بابت قروض جاری دولت (که به بانک روس از قرار صد دوازده پانصد هزار لیره و به بانک شاهنشاهی نیز از قرار صد دوازده چهارصد هزار لیره مقروض می‌باشد) چیزی داده نشده همچنین قروضی که به صرافان ایرانی دارد هنوز در بوثه تعویق باقی است.

سربازها به عنوان اخذ حقوق عقب‌افتاده اجتماع نمودند و معلوم است تحریک و ساختگی بوده و از این قبیل دسائس تازگی ندارد. عده‌ای از صرافان ایرانی که ادعای طلب هنگفتی از دولت می‌نمایند و تا حال مدت سه سال است از موعد ادای آن گذشته در خانه اتابك متحصن شده‌اند و شاید محرکی آنها را به این کار دعوت نموده باشد. جمع کثیری از مستخدمین دولتی در میدان توپخانه اجتماع کرده مطالبه مواجبه‌ای گذشته را می‌نمودند ولی چون به‌ایشان اطمینان و مواعید بسیار داده شد که بهمین زودی قراری در حقوق آنها داده شود لهذا به کارهای خود عودت یافتند.

## آذربایجان

وضع تبریز ظاهراً به حالت سکوت و آرامی می‌گذرد ولی در زنجان و اردبیل اغتشاش عظیمی اتفاق افتاد. در زنجان مردم عمارات حکومت را غارت و حاکم را از شهر خارج کردند، و در اردبیل خونریزی شدیدی روی داد و از قراری که راپورت رسیده متجاوز از صد نفر در اوایل ماه ژوئیه در آنجا مقتول و مجروح گردیدند. سبب اغتشاشات در هر دو ولایت ظاهراً عمل انتخابات بوده.

## رشت

زحمات و مشکلات ملاکین در برداشت سهم از محصولات تابحال استدامه یافته. دهانیان در بعضی از بلوک به صاحبان املاک و به کسانی که از خارج حمل غله می‌کنند هنوز از دادن آن مقدار پیله ابریشم که معمول و برحسب قرار داد ایشان است امتناع دارند. در طالش مردم املاک متعلق به حاکم را خراب و ویران ساختند. حکومت در گرفتاری اشخاصی که رعایا را تحریک به سرپیچی و امتناع از دادن سهم عایدات ملکی می‌نمودند همت گماشته و در آخر ماه ژوئن با اینکه صاحبان املاک مبلغ کثیری متضرر شده عاقبت محذورات مرتفع و اشکالات خاتمه یافته تمام ولایت را آرامی فرا گرفت.

## مشهد

در کلیه ایالت خراسان سکونت تامه موجود و حادثه‌ای که قابل ملاحظه باشد بوقوع نینجامیده و راپورت داده نشده است.

## اصفهان

روز ۲۹ ژوئیه یکی از مستخدمین قنصلخانه اعلیحضرتی را که جمعی بر وی حسد می‌بردند کتک زده و محبوس داشتند؛ بعد تسلیم آقایان نموده ایشان او را به قنصلخانه فرستادند و معذرتی نخواستند. این مطلب را وزیر مختار اعلیحضرتی البته تعقیب می‌نمایند و چون به اولیای محلی فشار آورده شود عاقبت با اینکه بطول خواهد انجامید تنبیه لازمه و ادای خسارت نموده ترضیه خواهند خواست.

## یزد

در یازدهم ماه جاری دوست نفر از اهالی به تلگرافخانه که نیز محل ویس قنصل است متحصن گردیده از اجحافات نماینده وزارت مالیه که جهت تحصیل و جمع‌آوری مالیات مأمور شده تعرض و شکایت دارند. اکنون مشغول اقداماتی هستند که پناهندگان را از تلگرافخانه خارج سازند.